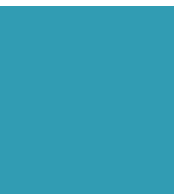


**برنامه ساخت چین ۲۰۲۵**  
**به عنوان چالشی در حکمرانی تجارت جهانی**  
**تجزیه و تحلیل و توصیه‌ها**





تبرکات



---

این گزارش ترجمه یکی از مقالات مرکز نوآوری حکمرانی بین‌المللی (مقاله شماره ۱۸۳) است که در آگوست ۲۰۱۸ توسط آنتون مالکین یکی از محققان مرکز فوق‌الذکر نگارش شده است. تحقیقات ایشان متمرکز بر نقش چین در اقتصاد جهانی و حاکمیت اقتصادی جهانی است.

مقاله ایشان با عنوان برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ به‌عنوان چالشی در حکمرانی تجارت جهانی، تجزیه و تحلیل و توصیه‌ها توسط موسسه پویندگان توسعه فناوری و نوآوری ایرانیان ترجمه و تدوین شده و در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد.

---

## فهرست مطالب

- ۱- خلاصه اجرایی ..... ۷
- ۲- مقدمه ..... ۹
- ۳- وضعیت موجود و انگیزه‌های مرتبط با برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ ..... ۱۱
- ۴- واکنش‌های صورت گرفته نسبت به برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ ..... ۱۹
- ۵- شرکت‌های خارجی در چین ..... ۲۲
- ۶- حکمرانی مالکیت فکری در چین ..... ۳۱
- ۷- بررسی مجدد سیاست صنعتی چین ..... ۴۱
- ۸- تمرکز صنعتی جهانی ..... ۴۳
- ۹- فناوری‌های دو منظوره در تجارت جهانی ..... ۴۶
- ۱۰- توصیه‌های مربوط به کانادا ..... ۴۹
- ۱۱- نتیجه‌گیری: مذاکره مجدد درباره تجارت جهانی ..... ۵۴

## اختصارات

**AI:** Artificial Intelligence

**CPTPP:** Comprehensive and Progressive Agreement for Trans-Pacific Partnership

**FDI:** Foreign Direct Investment

**GGFs:** Government Guidance Funds

**IP:** Intellectual Property

**IPRs:** Intellectual Property Rights

**M&A:** Mergers and Acquisition

**MIC 2025:** Made in China 2025

**MIIT:** Ministry of Industry and Information Technology

**MNCs:** Multinational Corporations

**MOFCOM:** Ministry of Commerce

**NDRC:** National Development and Reform Commission

**OECD:** Organisation for Economic Co-operation and Development

**PCT:** Patent Cooperation Treaty

**SEPs:** Standard-essential Patents

**SOEs:** state-owned enterprises

**USTR:** Office of the US Trade Representative

**WIPO:** World Intellectual Property Organisation

**WTO:** World Trade Organisation

## ۱- خلاصه اجرایی

در مقاله حاضر، برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ (MIC 2025)<sup>۱</sup> به عنوان چهارچوب سیاست صنعتی چین در ارتباط با حکمرانی تجارت جهانی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این مقاله مطرح شده است که بخش بزرگی از جوامع کسب و کار و سیاست گذاری جهانی، سیاست های صنعتی چین را به صورتی بسیار محدود و بدون توجه کافی به مباحث حکمرانی جهانی بلندمدت مورد بررسی قرار داده اند. بدون تردید، برخی از انتقادهای صورت گرفته در مورد برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ به ویژه انتقادهای مربوط به موانع قانونی رسمی و غیررسمی برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی در بخش های متعدد اقتصاد چین منطقی هستند. با این حال، ادعاهای بیان شده توسط سیاست گذاران و انجمن های تجاری در ارتباط با جنبه غیرمنصفانه نظام انتقال فناوری مبتنی بر سرمایه گذاری مشترک چین و همچنین، اقدامات چین در راستای کنار گذاشتن شرکت های خارجی به نفع هم تایان چینی آنها در رأس زنجیره های ارزش جهانی بسیار ساده انگارانه است. در مواجهه با این استدلال ها که چین به طور غیرمنصفانه به تصاحب مالکیت فکری خارجی مبادرت می ورزد، رهبران چین اقدامات مهمی جهت بهبود حمایت از تجاری سازی پایدار حقوق مالکیت فکری در چین انجام داده اند.

در مقاله حاضر بیان شده است که با توجه به مشکلات متداولی که رهبران چینی در تجارت جهانی با آنها دست و پنجه نرم می کنند، اهداف کلی برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ و سیاست های زیربنایی آنها غیرمنطقی نیستند. مشکلات مربوط به توسعه بین المللی ناشی از تمرکز صنعتی جهانی در حال رشد- که تحت تأثیر رشد اقتصاد نامشهود پدید آمده است- و کاهش دسترسی چین به واردات و تولید قطعات فناورانه (نظیر تراشه های نیمه رسانا) که توسط شرکای تجاری چین به عنوان قطعات فناورانه «دومنظوره» تلقی می شوند، از جمله این

1. Made in China 2025

مشکلات به شمار می آیند. این امر نشان می دهد که رفع نگرانی های شرکای تجاری چین در ارتباط با سیاست های صنعتی چین مستلزم اصلاحات حکمرانی تجارت جهانی به گونه ای است که یک نظام تجارت جهانی قانونمند و منصفانه ایجاد شود که در آن نیازهای معقول کشورهای در حال توسعه و با درآمد متوسط در زمینه کسب قطعات فناورانه و دانش فنی خارجی با هدف توسعه اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. در بخش نتیجه گیری این مقاله، توصیه های خاصی برای سیاست گذاران کانادا جهت بهبود ارتباط اقتصادی آنها با چین در زمینه برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ ارائه شده است.



## ۲- مقدمه

هنگامی که شورای دولتی جمهوری خلق چین (نهاد حکومتی مرکزی این کشور) چهارچوب سیاستی تولید و فناوری اطلاعات در برنامه ساخت چین ۲۰۲۵- شامل مجموعه‌ای از بسته‌های بودجه تحقیق و توسعه، صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر و مشارکت‌های دولتی و خصوصی- را ابلاغ کرد، جامعه کسب‌وکار خارجی، سیاست‌گذاران در ایالات متحده و اتحادیه اروپا و همچنین بسیاری از محققان تأکید داشتند که چین در صدد اجرای یک برنامه گسترده و ناکارآمد جهت جایگزینی واردات است تا سرمایه‌گذاران خارجی را در تنگنا گذاشته و به‌طور غیرمنصفانه به فناوری خارجی دست یابد. این شکایت‌ها شاید به‌نوعی تکرار شکایات همیشگی اقتصادهای پیشرفته و صنعتی مبنی بر این واقعیت باشد که چین عملاً در جنبه‌های مختلف مطابق قوانین تجارت جهانی عمل نمی‌کند. چگونه می‌توان مجموعه تعهدات بدیهی چین نسبت به تجارت آزاد را با تکیه روزافزون آن بر حمایت دولتی از نوآوری بومی و انتقال فناوری تطبیق داد؟

این مقاله به بحث درباره این موضوع می‌پردازد که بخش بزرگی از جوامع کسب‌وکار و سیاست‌گذاری جهانی، قسمت اعظم برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ را به‌صورتی بسیار محدود و بدون توجه کافی به مباحث حکمرانی جهانی بلندمدت مورد بررسی قرار داده‌اند. در ارتباط با نفوذ و تسلط شرکت‌های با سرمایه‌گذاری خارجی در بخش صادرات فناوری پیشرفته چین و به‌طور کلی آزادسازی تدریجی چین از نظام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آن، می‌توان گفت که الزامات موجود برای سرمایه‌گذاری مشترک و انتقال فناوری که توأم با چنین مشارکت‌هایی است، برای اقتصادی با درآمد متوسط که سعی در افزایش بهره‌وری صنعتی و ارتقای زنجیره‌های ارزش تولید جهانی دارد، اساساً غیرمنطقی نیست. به‌طور مشابه، فرضیات متداول مبنی بر اینکه نظام مالکیت فکری چین فی‌نفسه در محافظت از دارایی‌های نامشهود ناکارآمد است و در راستای منفعت شرکت‌های داخلی عمل می‌کند، با جدیدترین

اطلاعات و تحقیقات موجود مطابقت ندارد.

علاوه بر این، در این مقاله درباره این موضوع به بحث خواهیم پرداخت که شرکای تجاری چین بیش از حد به هدف تصریح شده توسط چین مبنی بر بومی سازی «قطعات اصلی» محصولات با فناوری پیشرفته که عمدتاً برگرفته از نگرانی‌های چین درباره امنیت ملی - نه تمایل به جایگزینی واردات - است، تأکید دارند. در این مقاله نشان داده شده است که در واقع اهداف بومی سازی بخشی یکی از ویژگی‌های برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ است و هنگامی که در ارتباط با مشکلات روزافزون و قابل ملاحظه تمرکز صنعتی و تجارت فناوری‌های دو منظوره مورد بررسی قرار می‌گیرد، این برنامه به مثابه پاسخی منطقی به مشکلات اضطراری سیاست‌گذاران چینی محسوب می‌شود که فقط با اصلاح حکمرانی تجارت در سطح جهانی می‌توان آنها را برطرف کرد.

در این مقاله، پوشش سیاست‌های صنعتی برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ شرح داده شده و چنین استدلال شده است که برخی از انتقادهای وارد شده به این سیاست نادرست و غیر معقول هستند و شرکت‌های خارجی - حداقل برای یک آینده قابل پیش‌بینی - همچنان بخشی جدایی‌ناپذیر از مدل رشد چین به شمار می‌آیند. این مقاله نشان می‌دهد که اگرچه رویکرد چین به نوآوری، حمایت‌گرایانه نیست، ولی برای قدرت‌های مهم تجاری جهان و کشورهایی که فعالانه به دنبال انعقاد موافقت‌نامه‌های تجاری با این کشور هستند، چالش‌های قابل توجهی در بر دارد. در این مقاله، ابتدا سیاست‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مالکیت فکری چین در چهارچوب برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ شرح داده می‌شود. سپس، منطق سیاست و معضلات سیاست برون‌زا توضیح داده می‌شود که سیاست‌گذاران چینی بر اساس آن‌ها تعیین می‌کنند که شرکت‌های خارجی در کدام بخش‌ها و با چه شرایطی سرمایه‌گذاری کنند. در بخش نتیجه‌گیری این مقاله پیشنهاد می‌شود که چگونه سیاست‌گذاران کانادایی می‌توانند روابط اقتصادی خود را با چین پیش ببرند. علاوه بر آن، پیامدهای سیاست‌های صنعتی چین برای حکمرانی تجارت جهانی شرح داده می‌شود.

### ۳- وضعیت موجود و انگیزه‌های مرتبط با برنامه ساخت چین ۲۰۲۵

سیاست‌های صنعتی چین در سال‌های اخیر مورد توجه زیادی قرار گرفته‌است، به‌ویژه به دلیل این که بسیاری از ناظران (خصوصاً جامعه سیاست‌گذاری ایالات متحده) معتقدند که این سیاست‌ها به نوعی نوآوری در زمینه موازنه اقتصادی محسوب می‌شوند و هدف از آن‌ها این است که با انحراف تجارت یا محدود کردن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اقتصادهای پیشرفته صنعتی جایگاه برتر خود در زمینه نوآوری فناوری پیشرفته را از دست بدهند. نام کلی این سیاست جدید «تولید چین ۲۰۲۵» می‌باشد که البته بیشتر با عنوان «ساخت چین ۲۰۲۵» مطرح می‌شود. انگیزه‌های بالقوه متعددی برای اجرای این طرح وجود دارد که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود: تغییر اقتصاد مبتنی بر سرمایه‌گذاری و صادرات به اقتصادی که خدمات، تولید با ارزش افزوده بالاتر و رشد مشتری‌محور مشخصه بارز آن است؛ تمایل به ارتقای ظرفیت نوآوری داخلی در بخش فناوری پیشرفته؛ تمایل به ارتقای بهره‌وری در بخش تولید همزمان با رشد مستمر دستمزدها و مازاد نیروی کار مهاجر از حومه شهر و سکونتگاه‌های کوچک؛ و دستیابی به فناوری‌هایی که از طریق واردات یا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نمی‌توان آن‌ها را خریداری کرد.<sup>۱</sup>

به موجب این برنامه، طرح‌های سیاستی متعددی در راستای افزایش ظرفیت تولید چین در طیف وسیعی از صنایع همچون فناوری اطلاعات، تجهیزات ساخت رباتیک، تجهیزات تولیدی و قطعات هوافضا، وسایل نقلیه با منابع انرژی تجدیدپذیر، فناوری استخراج مواد اولیه، داروسازی و تولید تجهیزات پزشکی، قطعات کشتی‌های با فناوری پیشرفته، تجهیزات

۱. چین همواره شکایت می‌کند که به علت محدودیت‌هایی که رقابت تجاری آن در زمینه «فناوری‌های دومنظوره» اعمال کرده‌اند، به بسیاری از فناوری‌هایی (برای مثال فناوری هوافضا و ماهواره) که برای رشد مستمر تعداد زیادی از صنایع خود نیاز دارد، دسترسی ندارد. فناوری‌های دومنظوره به معنای فناوری‌هایی هستند که دارای هر دو کاربرد نظامی و غیرنظامی می‌باشند. از آنجا که چین با هیچ‌یک از کشورهای پیشرفته و قوی در زمینه فناوری هم‌پیمان نیست، این کشور به‌طور بالقوه با محدودیت‌های قابل توجهی در زمینه فناوری‌های دومنظوره مواجه است. بنا به اظهارات لی و یانگ (۲۰۱۳) این امر در مورد محدودیت‌های صادرات ایالات متحده به چین نیز صدق می‌کند.

کشاورزی و تلفن‌های همراه توسط وزارت بازرگانی<sup>۱</sup> (MOFCOM)، وزارت صنعت و فناوری اطلاعات<sup>۲</sup> (MIIT) و کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات چین<sup>۳</sup> (NDRC) تدوین شده‌اند. برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ براساس انقلاب صنعتی چهارم - طرح دولت آلمان برای ایجاد تحول در بخش تولیدی کشور با استفاده از هوش مصنوعی<sup>۴</sup> (AI) و رباتیک - طرح‌ریزی شده‌است، اما در واقع فراتر از برنامه دولت آلمان بوده و با هدف همپایی فناورانه چین در طول چند دهه تدوین شده‌است.

اگرچه ایجاد تحول در بخش تولید چین هدف اصلی این برنامه محسوب می‌شود، ولی درحقیقت طرحی چندوجهی و بسیار آرمانگرایانه است و مورد توجه طیف گسترده‌ای از ذی‌نفعان مختلف نظیر حزب کمونیست چین، دولت‌های محلی، شرکت‌های دولتی و خصوصی، دانشگاه‌ها، اتاق‌های فکر و شرکت‌های خارجی قرار گرفته‌است. شایان ذکر است که تمامی بخش‌ها باید دقیقاً با هماهنگی یکدیگر فعالیت کنند تا بتوانند چین را تا اواسط همین قرن به یک ابرقدرت اصلی در زمینه فناوری تبدیل کنند.

تحقق پیشرفت‌های موردنظر در بخش تولید، پیامدهای خارجی مثبت متعددی برای سایر بخش‌های اقتصاد چین دربردارد. به‌عنوان مثال می‌توان به اقتصاد در حال رشد بخش خدمات اشاره کرد که در سال‌های اخیر رشد سریعی داشته‌است و البته هنوز هم پتانسیل زیادی برای ایجاد فرصت‌های شغلی و به‌طور کلی کمک به رشد چین دارد.

در سند سیاست‌گذاری ۳۸ صفحه‌ای برنامه ساخت چین ۲۰۲۵، کلمه خدمات ۷۷ بار ذکر شده‌است و فرض بر این است که صعود چین در زنجیره ارزش جهانی تولید باعث افزایش کیفیت و دامنه خدمات حرفه‌ای، فناوری اطلاعات، خدمات عمومی و سایر حوزه‌های خدمات جدید و سنتی خواهد شد.

به‌عبارت ساده‌تر، چین به‌دنبال یافتن منابع جدید رشد است و امید دارد که از «دام در آمد

1. Ministry of Commerce

2. Ministry of Industry and Information Technology

3. National Development and Reform Commission

4. Artificial Intelligence

متوسط» که بسیار هراس‌انگیز است، رهایی یابد. دام درآمد متوسط، یک وضعیت اقتصادی است که در آن، کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند از مرحله درآمد متوسط سرانه تولید ناخالص داخلی بیرون بیایند. این وضعیت بیشتر گریبان‌گیر کشورهای می‌شود که نمی‌توانند در زنجیره ارزش فناوری صعود کنند. سیاست‌گذاران چین متعهد شده‌اند که چیزی را که جاستین ییفو لین<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) - اقتصاددان و رئیس سابق بانک جهانی و مشاور تأثیرگذار دولت چین - تحت عنوان «مزیت رقابتی پنهان» می‌نامد، ارتقا بخشند. این مسأله به صنایعی برمی‌گردد که می‌توانند به منبع مزیت رقابتی تبدیل شوند، اما مستلزم سرمایه‌گذاری‌های اولیه قابل توجهی در میان‌مدت و بلندمدت هستند. با توجه به مزیت‌های این راهبرد و احتمال موفقیت آن در آینده، سند شورای دولتی چین یعنی ساخت چین ۲۰۲۵ به وضوح گویای این واقعیت است که چین به توصیه‌های لین عمل می‌کند.

دولت مرکزی عملاً اظهار داشته‌است که تمایل دارد «قطعات اصلی» در فناوری‌های فوق‌الذکر توسط تأمین‌کنندگان داخلی برای بازار چین تولید شود و بدین ترتیب چین در بخش‌های مذکور در سند ساخت چین ۲۰۲۵ به‌حدی از خودکفایی برسد و میزان تولید داخلی آن تا سال ۲۰۲۵ به‌طور میانگین به ۷۰ درصد افزایش یابد. شایان ذکر است این رقم برای تجهیزات انرژی تجدیدپذیر برابر با ۸۰ درصد و برای تراشه‌های نیمه‌رسانا برابر با ۴۰ درصد در نظر گرفته شده‌است. به‌علاوه دولت چین در طول سه سال گذشته، جزئیاتی را در مورد چگونگی تحقق اهداف مبنی بر بومی‌سازی و ارتقای کلی صنعت چین و پیشرفت‌های فناورانه بیان کرده‌است.

**پس از اینکه سند ساخت چین ۲۰۲۵ توسط شورای دولتی ابلاغ شد، تعداد زیادی دستورالعمل‌های سیاستی هم در ارتباط با ارتقای صنعتی ارائه شدند که از جمله می‌توان به دستورالعمل تولید خدمات‌محور، طرح توسعه صنعت رباتیک و چهارچوب استانداردسازی فناوری اشاره کرد.** به احتمال زیاد طرح توسعه نسل بعدی هوش مصنوعی به‌عنوان مهم‌ترین طرح محسوب می‌شود که مطابق آن باید چین تا سال ۲۰۳۰ در زمینه نوآوری در فناوری هوش مصنوعی و برنامه‌های کاربردی فناورانه به جایگاه

1. Justin Yifu Lin

پیشگام دست یابد. این طرح تا حد زیادی همسو با سبک و مفاد پیش‌نویس سند ساخت چین ۲۰۲۵ است که به جای اهداف مبنی بر بومی‌سازی داخلی که در حال حاضر در برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ لحاظ شده‌است، اهداف مبنی بر رشد صنایع اصلی و صنایع مرتبط با هوش مصنوعی در آن تصریح شده بود.

برخلاف این که رسانه‌ها، اتاق‌های فکر و سیاست‌گذاران، اهداف مبنی بر خودکفایی بخشی ذکر شده در برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ را مورد توجه قرار داده‌اند، هدف این طرح چیزی فراتر از کمک به شرکت‌های چینی در زمینه رقابت با شرکت‌های خارجی است. درحقیقت، با توجه به این که در این طرح بر اهداف بومی‌سازی تأکید زیادی شده‌است، تحلیلگران و روزنامه‌نگاران استنباط اشتباهی داشته و ابزار تحقق هدف را با خود هدف اشتباه گرفته‌اند. لازم به ذکر است که اهداف بومی‌سازی فقط به منزله ابزار تحقق هدف مبنی بر کمک به ارتقای بخش تولید چین در زنجیره ارزش جهانی هستند. **سایر ابزارهای سیاست‌گذاری دولت چین عبارتند از:**

- تقویت اجرای مالکیت فکری، تجاری‌سازی بیشتر حقوق مالکیت فکری، کاهش هزینه‌های حمایت از حقوق مالکیت فکری شرکت‌های کوچک و متوسط؛
- افزایش جریان اعتبار بخش خصوصی (در این طرح بر لزوم ایجاد یک «پایگاه داده اعتبار تولید ملی» اشاره شده‌است که به نظر می‌رسد به‌عنوان نظام رتبه‌بندی اعتبار بخش تولید عمل می‌کند) و افزایش میزان دسترسی شرکت‌های خصوصی به سهام و اعتبار مستقیم؛
- نظارت قانونی بیشتر بر کیفیت محصول و رفع محدودیت‌های سرمایه‌گذاری‌های خارجی و خصوصی؛
- استفاده از ابزارهای مالی مانند مشارکت‌های دولتی و خصوصی و یارانه‌های تحقیق و توسعه و همچنین بودجه‌های ویژه برای شرکت‌های کوچک و متوسط با هدف افزایش سرمایه‌گذاری در زمینه ارتقای تأسیسات تولیدی؛
- توسعه سبد استعدادها در بخش تولید فناوری پیشرفته از طریق بهبود کیفیت آموزش در سطح فنی-حرفه‌ای و دانشگاهی و افزایش روحیه همکاری بین دانشگاه‌ها و

### شرکت‌های تولیدی؛

- دستیابی به فناوری خارجی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در خارج از کشور؛
- یکپارچه‌سازی هرچه بیشتر تولیدات غیرنظامی و دفاعی؛ و
- کاهش محدودیت‌ها و مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.

در جدول ۱ با بررسی برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ و سیاست‌های صنعتی مرتبط با آن، منابع مختلف تأمین مالی دولت مرکزی (که شامل بانک‌های سیاست‌گذاری چین می‌باشد) نشان داده شده‌است که سرمایه لازم را در اختیار شرکت‌های نوظهور چینی فعال در زمینه فناوری پیشرفته قرار می‌دهند تا بتوانند میزان عملیات محلی را افزایش دهند، در زمینه فناوری پیشرفته سرمایه‌گذاری کنند و از طریق انجام معاملات ادغام و اکتساب، به فناوری خارجی دست یابند. همچنین در این جدول، بودجه اختصاص داده شده توسط دولت محلی نشان داده شده‌است که در اختیار تولیدکنندگان فناوری پیشرفته قرار داده می‌شود تا ترغیب شوند که در مناطق مختلف فعالیت کنند. به علاوه، فهرست تعدادی از وام‌ها (از قبیل وام‌های بانکی و سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر)، کمک‌هزینه‌های تحقیقاتی و سایر مشوق‌های نظارتی و مالی (که شامل یارانه‌های مبتنی بر مالیات هم می‌باشد) نیز در جدول ۱ نشان داده شده‌است که به‌عنوان ستون فقرات برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ محسوب می‌شوند. این بودجه‌ها بخش اصلی شبکه گسترده‌تری از تقریباً ۱۰۰۰ «صندوق حمایت دولتی»<sup>۱</sup> (GGF) که به‌طور عمودی با هم ادغام شده‌اند را تشکیل می‌دهند. افزایش شرکت‌های کوچک و متوسط و تأمین سرمایه اولیه برای تجاری‌سازی تحقیق و توسعه اهداف این صندوق‌ها به شمار می‌آید.

جدول ۱: منابع تأمین مالی دولتی برای برنامه ساخت چین ۲۰۲۵

منبع تأمین مالی	برآوردهای کلی (برحسب دلار آمریکا)	هدف / دامنه
وزارت صنعت و فناوری اطلاعات و بانک توسعه چین	۴۵ میلیارد دلار	وام‌های مستقیم، فروش اوراق قرضه و لیزینگ برای حمایت از پروژه‌های اصلی برنامه ساخت چین ۲۰۲۵
صندوق تولید پیشرفته (که سرمایه آن با کمک‌های مالی صندوق دولتی شرکت سرمایه گذاری و توسعه کشور، بانک صنعت و تجارت چین و دولت مرکزی تأمین می‌شود)	۳ میلیارد دلار	ارتقای تأسیسات تولیدی نیروی کار محور و با بهره‌وری پایین به تأسیسات تولیدی ماشینی و مدرن
صندوق سرمایه گذاری تولید پیشرفته شرکت سرمایه گذاری و توسعه کشور	۶ میلیارد دلار	سرمایه گذاری در زمینه فعالیت‌های تولیدی مرتبط با ربات و هوش مصنوعی
صندوق ملی مدار مجتمع	۳۱ میلیارد دلار	سرمایه گذاری در زمینه معاملات ادغام و اکتساب به منظور اکتساب فناوری در صنعت نیمه‌رساناها
صندوق سرمایه گذاری در صنایع نوظهور	۲/۲۸ میلیارد دلار	اعطای وام برای پشتیبانی از توسعه محصولات صنایع فناوری پیشرفته
سیستم بیمه خسارت تجهیزات فناوری اصلی	نامشخص	اعطای وام برای حمایت از توسعه محصولات صنایع فناوری پیشرفته
صندوق سازنده خاص	۲۷۰ میلیارد دلار	تأمین مالی برای پروژه‌های متعدد مرتبط با برنامه ساخت چین ۲۰۲۵



صندوق برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ شانکسی	۱۱۷ میلیارد دلار	حمایت مالی از تقریباً ۱۰۰ پروژه مرتبط با برنامه ساخت چین ۲۰۲۵
صندوق ساخت چین ۲۰۲۵ گانسو	۳۷ میلیارد دلار	حمایت مالی از بیش از ۶۰۰ پروژه
صندوق توسعه تولید آنهوئی	۴/۳۶ میلیارد دلار	سرمایه گذاری در زمینه ارتقای صنعتی آنهوئی (هدف تاحدی نامشخص است)
صندوق حمایت از پروژه‌های نوآورانه و ساخت چین ۲۰۲۵ سیچوآن	نامشخص	تأمین مالی برای تحقیق و توسعه در بخش‌های متعدد از جمله در حوزه گرافن و ۹ حوزه دیگر
منطقه توسعه اقتصادی و فناوری نانچینگ	۱/۳ میلیارد دلار	یجاد «پایگاه ملی صنعت هوش مصنوعی»
صندوق نوآوری فناوریانه پکن	۳/۱۷ میلیارد دلار	تأمین مالی در زمینه فناوری الکترونیک نوری، کلان داده‌ها، مواد جدید، انرژی پاک، هوش مصنوعی، تولید پیشرفته، مراقبت بهداشتی، فناوری اطلاعات و رایانش کوانتومی

**منبع:** برآوردها و توضیحات مربوطه برگرفته از وبسایت و همکاران (۲۰۱۶)، اتاق بازرگانی ایالات متحده (۲۰۱۸)، شبکه پول چین و منابع رسانه‌ای دولتی هستند.

شایان ذکر است که بودجه اختصاص یافته به صندوق حمایت دولتی فی نفسه به منزله تعهد مالی به صنایع مورد نظر نیست. بلکه این بودجه‌ها به عنوان سرمایه خطرپذیر و صندوق‌های سهام خصوصی هدفمند و مورد نظر به شمار می‌آیند. سرمایه واقعی برای پروژه‌های خاص توسط شرکت‌های دولتی و دولت‌های محلی تأمین می‌شود. بنابراین در بعضی موارد، بودجه‌های ذکر شده در جدول ۱ اصلاً به صنایع مورد نظر اختصاص داده

نمی‌شود و در برخی دیگر از موارد هم ممکن است بودجه بیشتری اختصاص داده شود. همچنین لازم به ذکر است که چنانچه در جدول ۱ نشان داده شده‌است، مبلغ اختصاص یافته بیانگر هدف موردنظر است و نه موارد مالی که به آن‌ها بودجه اختصاص داده شده‌است. هر صندوق وظیفه دارد سرمایه لازم برای پروژه‌های تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری خطرپذیر خاص را از طریق سرمایه‌گذاران تأمین کند (البته بخش اعظم سرمایه‌گذاری محقق شده توسط شرکت‌های دولتی تأمین می‌شود).

در نهایت، با توجه به این که بودجه دولت مرکزی، انتقال فناوری مبتنی بر سرمایه‌گذاری مشترک و موانع غیرتعرفه‌ای و اداری برای فعالیت شرکت‌های خارجی در چین، همگی در برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ و سایر اهداف سیاست‌گذاری صنعتی نقش دارند، مشوق‌های مالیاتی بلندمدت دولت محلی به‌عنوان مؤثرترین و مشهودترین ابزار سیاستی بالقوه به شمار می‌آیند. با توجه به افزایش هزینه‌های نیروی کار و رقابت خارجی در زمینه محصولات با کیفیت پایین، دولت‌های محلی همواره به دنبال ارتقای صنعت هستند تا بتوانند تأسیسات تولیدی سطح پایین را از صحنه خارج کنند و در عوض با پرداخت ۱۰ یا ۲۰ درصد از هزینه اتوماسیون، کارخانه‌های مدرن اتوماتیک را جایگزین کارخانه‌های قدیمی نمایند.

به احتمال زیاد بدترین تعبیر از مشکلات مرتبط با برنامه ساخت چین ۲۰۲۵- مقررات نظارتی متناقض که باعث اعطای امتیاز ویژه به شرکت‌های داخلی در برخی از بخش‌های اقتصاد و همچنین عدم شفاف‌سازی درباره ویژگی دقیق نقش دولت در اقتصاد چین می‌شوند (در بخش‌های بعد با جزئیات بیشتری شرح داده می‌شود)- این است که این طرح به ناچار به این مشکلات دامن می‌زند. همان‌طور که در این مقاله نشان داده شده‌است، یکی از اهداف برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ این است که نگرانی‌های شرکت‌های خارجی و شرکای تجاری چین را تا حدی برطرف نماید. با این که تاکنون شعارها در بسیاری جهات عملی نشده‌است، اما در حال حاضر پیشرفت قابل توجهی صورت گرفته‌است.

## ۴- واکنش‌های صورت گرفته نسبت به برنامه ساخت چین ۲۰۲۵

سیاست‌گذاران اروپایی و آمریکایی (به عبارتی، بزرگ‌ترین شرکای تجاری چین) سیاست‌های صنعت فناوری پیشرفته چین را مورد انتقاد قرار داده‌اند. همچنین انجمن‌های کسب و کار خارجی آشکارا مخالفت خود را با این برنامه ابراز نموده‌اند. دفتر نماینده تجاری ایالات متحده (USTR) هم در بررسی اخیر خود در خصوص پیروی چین از مقررات سازمان تجارت جهانی، چنین نتیجه‌گیری کرده‌است: «بدیهی است که ایالات متحده در حمایت از ورود چین به سازمان تجارت جهانی اشتباه کرده‌است، زیرا مشخص شده‌است که این امر در استقبال چین از نظام تجارت باز و بازارمحور غیرمؤثر بوده‌است.

دفتر نماینده تجاری ایالات متحده سیاست‌های انتقال فناوری چین را که جزئی از برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ است، به باد انتقاد گرفته‌است. این سیاست‌ها نشان می‌دهند که هدف چین مبنی بر ارتقای سریع قابلیت‌های فناوری خود نوعی «مرکانتیلیسم نوآوری»<sup>۱</sup> است (این مفهوم در نظام مالکیت فکری کانادا نیز استفاده شده‌است). با این که اتحادیه اروپا چنین موضع مقابله‌ای در این باره اتخاذ نکرده‌است، ولی انتقاد ایالات متحده به‌ویژه در مورد یارانه‌های فناوری پیشرفته چین که به نظر می‌رسد باعث انحراف بازار می‌شوند را وارد می‌داند.<sup>۲</sup>

اتحادیه اروپا و ایالات متحده اعتقاد دارند که اقدامات اخیر چین نشان می‌دهد چین به طور منصفانه عمل نمی‌کند و به همین دلیل به‌طور جدی تلاش می‌کنند که چین جایگاهی در «اقتصاد بازار» نداشته باشد<sup>۳</sup> و عوارض ضد دامپینگ (ضد بازارشکنی) بالایی را برای کالاهای

1. Office of the US Trade Representative

2. "innovation mercantilism"

۳. بی‌تردید اروپا و آمریکا فقط برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ را مورد انتقاد قرار نمی‌دهند، بلکه به طور مبالغه‌آمیز رویکرد کلی چین نسبت به سیاست‌گذاری اقتصادی و به‌خصوص نقش شرکت‌های دولتی در اقتصاد چین را به باد انتقاد گرفته‌اند؛ البته در این مقاله فقط به بررسی سیاست‌های بخش فناوری پیشرفته چین پرداخته شده‌است.

۴. به چین در سال ۲۰۰۱ اجازه داده شد که با این دو شرط به سازمان تجارت جهانی بپیوندد: (۱) یک اقتصاد غیربازاری را در ۱۵ سال اول عضویت خود در نظر بگیرد؛ و (۲) سیاست‌های اقتصادی آن مورد بررسی بیشتری قرار گیرد و متعهد به تعدیل اقدامات تجاری باشد.

چینی در نظر می‌گیرند. به‌طور کلی، سیاست‌گذاران و کسب‌وکارهای کشورهای پیشرفته به دو مشکل برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ و سیاست‌های جانبی آن اشاره کرده‌اند: دسترسی نابرابر به بازار در چین در مقایسه با آنچه در اختیار شرکای تجاری چین قرار دارد و اجرای یک نظام مالکیت فکری که به شرکت‌های داخلی بیش از سرمایه‌گذاران خارجی بها داده می‌شود. این دو مسأله وابسته به هم هستند؛ زیرا قوانین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین باعث ترغیب انتقال مالکیت فکری خارجی به شرکت‌های دولتی و خصوصی چینی می‌شوند (برخی اظهار داشته‌اند که چین «با اعمال زور» به دنبال انتقال مالکیت فکری خارجی به کشور است).

بسیاری از این انتقادات منطقی هستند. نظام سرمایه‌گذاری خارجی چین - که به صورتی مبالغه‌آمیز رکن اصلی سیاست‌های صنعتی چین به شمار می‌آید - در مقایسه با نظام سرمایه‌گذاری خارجی کشورهایی که از تجارت چین شکایت دارند، محدودکننده‌تر است. همزمان با این که اقتصاد چین به میزان بیشتری رشد و توسعه می‌یابد، این مسأله مورد بررسی قرار می‌گیرد که این کشور تا چه حد می‌تواند قوانین سرمایه‌گذاری نابرابر در مقابل شرکای تجاری اصلی خود را ادامه دهد. علاوه بر این، اقتصاد سیاسی چین آنقدر از دیگر اقتصادهای پیشرفته فاصله گرفته است که این دولت درصدد است بر نتایج بازار تأثیر بگذارد. به همین دلیل تجارت با چین برای اقتصادهای پیشرفته صنعتی به یک چالش تبدیل شده است و نظام فعلی حکمرانی تجارت جهانی را تحت فشار قرار داده است؛ زیرا همانطور که در حال حاضر هم نتوانسته است، این نظام حکمرانی ممکن است در آینده هم نتواند اختلاف بین چین و شرکای تجاری آن را برطرف کند.

با این حال، از منظر توسعه چین - رهایی از دام درآمد متوسط و ارتقای جایگاه آن در سلسله‌مراتب زنجیره‌های ارزش جهانی - برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ و سیاست‌های جانبی آن در چهارچوب نظام تجارت جهانی فعلی معقول و مناسب است. کشورهایی مانند کانادا به جای تضعیف جایگاه آن‌ها، باید در پی این باشند که از نیاز مبرم چین به فناوری، تخصص و همکاری خارجی سود ببرند. اصولاً سیاست‌گذاران باید محتاطانه عمل کنند و چین را از لحاظ استانداردهای مالکیت فکری و گشودگی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به سرعت

در سطح اقتصادهای پیشرفته و با درآمد بالا قرار ندهند. از سوی دیگر با توجه به واکنش سازمان‌های تجارت خارجی پس از ابلاغ برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ و همچنین شکایات مستمر شرکت‌های خارجی مستقر در چین، به احتمال زیاد آن دسته از مقررات رسمی و غیررسمی که چین برای شرکت‌های خارجی وضع کرده‌است، در آینده اصلاح خواهند شد.

## ۵- شرکت‌های خارجی در چین

همزمان با اقدامات چین در راستای ادغام خود در زنجیره‌های عرضه جهانی در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، شرکت‌های چندملیتی<sup>۱</sup> (MNCs) از موقعیت مطلوبی برخوردار هستند. برنامه ساخت چین ۲۰۲۵، مرحله بعدی توسعه بخش تولید چین به شمار می‌آید: برنامه این است که اقتصاد چین به جایگاهی سوق یابد که تخصص و فناوری پیشرفته را از انحصار شرکت‌های خارجی درآورد. آیا این بدان معنی است که چهارچوب سیاست‌های صنعتی چین می‌خواهد نقشی را که شرکت‌های خارجی در اقتصاد چین بازی می‌کنند، محدود نماید؟ آیا سیاست چین نسبت به شرکت‌های چندملیتی تغییر کرده است؟ به نظر می‌رسد چین در این بخش بیشتر به دنبال استمرار است تا تغییر.

آخرین تحقیق دفتر نماینده تجاری ایالات متحده آمریکا درباره شیوه‌های تجارت چین مطابق بخش ۳۰۱ قانون تجارت ایالات متحده مصوبه ۱۹۷۴ را در نظر بگیرید. براساس نتایج این تحقیق، عملکرد دولت چین در ارتباط با شرکت‌های آمریکایی<sup>۲</sup> منصفانه نیست و در واقع، این شرکت‌ها ملزم به انعقاد قرارداد با شرکت‌های دولتی چینی به عنوان شریک اقلیت هستند و بدین ترتیب به موجب این قراردادها شرکت‌های چینی می‌توانند به زور به مالکیت فکری دست یابند و علاوه بر آن، شرکت‌های آمریکایی از فرصت کسب مجوز مبتنی بر بازار مالکیت فکری برخوردار نیستند و شرکت‌های چینی می‌توانند از طریق جریان خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و با تسهیل روش‌های غیرقانونی و جاسوسی شرکتی، به فناوری خارجی دست یابند.

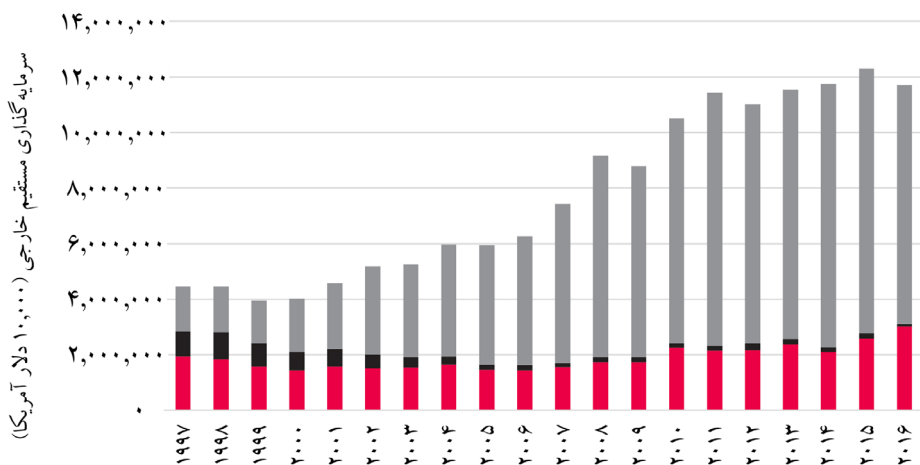
البته داده‌های مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حاکی از آن است که نظام

### 1. Multinational Corporations

۲. در این تحقیق، آسیب وارده به شرکت‌های آمریکایی مورد تأکید است. اگرچه به شرکت‌های ژاپنی و اروپایی هم رجوع شده است، ولی دفتر نماینده تجاری ایالات متحده آمریکا در تحقیق خود بیشتر به نتیجه‌گیری‌های کمیسیون اروپا (۲۰۱۷) استناد کرده است.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین پیچیده‌تر از حدی است که اغلب تصور می‌شود و به اندازه‌ای که گفته می‌شود تبعیض آمیز نیست. قراردادهای انتقال فناوری که بین شرکت‌های چینی و خارجی منعقد می‌گردد، اغلب از نوع قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک هستند و نکته آموزنده این است که طی دو دهه اخیر این سرمایه‌گذاری‌های مشترک به‌عنوان سهمی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبت به تأسیس شرکت‌های با مالکیت کاملاً خارجی به‌طور پیوسته کاهش یافته‌است (به نمودار ۱ رجوع شود).

نمودار ۱: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین به تفکیک نوع (ارزش استفاده‌شده واقعی)



- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در قالب سرمایه‌گذاری با سهام برابر
- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در قالب سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی
- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در قالب تأسیس شرکت با مالکیت کاملاً خارجی

منبع: دفتر آمار ملی چین.

قراردادهای انتقال فناوری بیانگر رویکرد راهبردی چین نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی است که به اواخر دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد. در بسیاری از صنایع (که تعداد آنها در طول زمان کاهش یافته‌است)، مقامات چینی به سرمایه‌گذاران خارجی اجازه می‌دهند که فقط

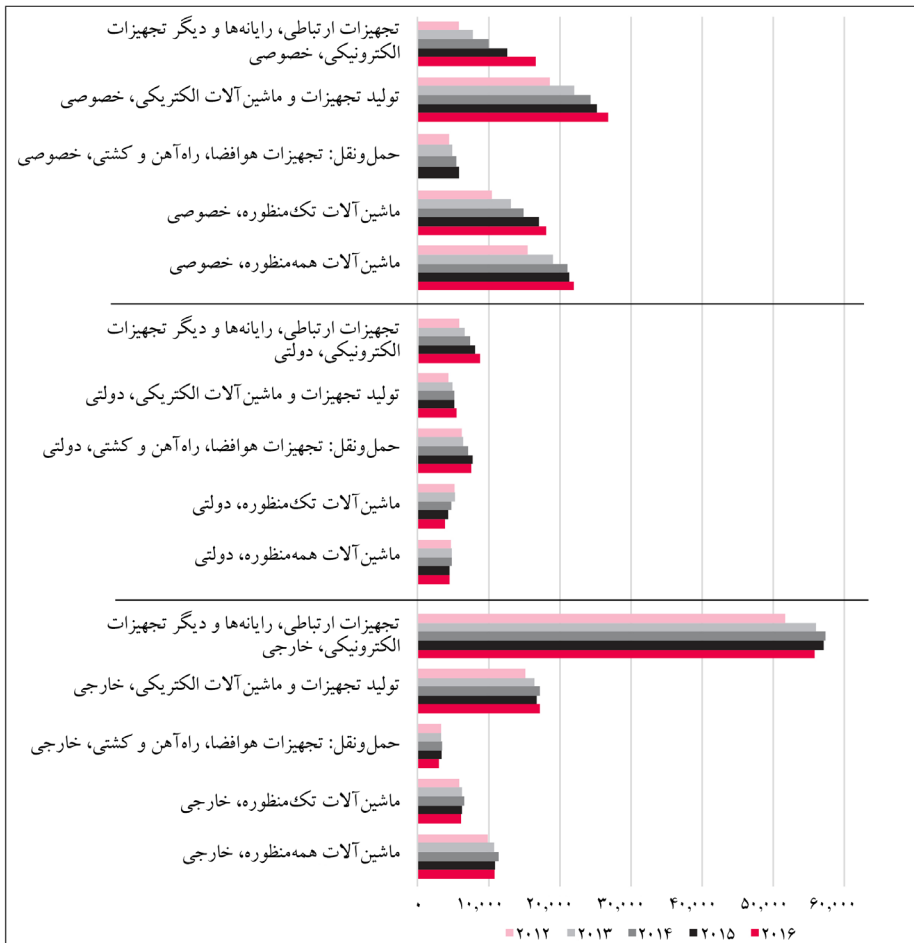
در صورتی که موافقت کنند با مشارکت یک شرکت چینی، یک شرکت ثبتی محلی را تأسیس نمایند به بازار چین دسترسی داشته باشند و طرف خارجی می‌تواند حداکثر ۴۹ درصد از سهام سرمایه‌گذاری مشترک را دارا باشد. انتقال فناوری از سرمایه‌گذار خارجی به نهاد تازه تأسیس هدف اصلی این مشارکت‌ها محسوب می‌شود. در برخی از نمونه‌های بارز، انتقال مالکیت فکری فناوری پیشرفته و دانش فنی به شریک چینی از طریق سرمایه‌گذاری‌های مشترک چندان موفقیت‌آمیز نبوده‌است و قطعات تولیدی پیشرفته و مالکیت فکری به‌طور مستقیم از شریک خارجی در خارج از کشور خریداری می‌شوند.

مسلماً با توجه به ادعای دفتر نماینده تجاری ایالات متحده آمریکا در خصوص جاسوسی شرکتی نمی‌توان به سادگی از این موضوع گذشت. سیاست‌گذاران باید از طریق بررسی دقیق جریان ورودی و جریان خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشور چین به‌طور محتاطانه به ارزیابی دقیق خطرات سرقت اسرار تجاری و مالکیت فکری پردازند.<sup>۱</sup> همچنین با توجه به این که بخش عمده نگرانی شرکت‌های چندملیتی که در چین فعالیت دارند را می‌توان به تشدید رقابت از جانب رقبای داخلی نسبت داد، شرکای تجاری چین باید درباره چالش‌های پیش‌روی شرکت‌های خارجی در چین شفاف‌سازی کنند. چنانکه در نمودار ۲ نشان داده شده‌است، مسائل بازار داخلی به‌ویژه برای شرکت‌های خارجی بحرانی است که تا حدی به علت آن است که شرکت‌های خارجی با وجود محدودیت‌های قانونی رسمی و غیررسمی برای انجام فعالیت تجاری در سرزمین چین، سهم بسیار نامتناسبی از خروجی در بخش فناوری پیشرفته داخلی را دارا هستند. به‌عبارت دیگر ممکن است شاهد این باشیم که شرکت‌های خارجی جایگاه تاریخی ممتاز خود را در فناوری‌های پیشرفته، کالاهای مصرفی و بخش‌های صادرات‌محور اقتصاد چین از دست بدهند. بدیهی است در صورتی که چنین تغییری عمدتاً تحت تأثیر عوامل مرتبط با رقابت مبتنی بر بازار ایجاد شود، اشکالی ندارد.

۱. با این حال، شایان ذکر است که جاسوسی شرکتی و سرقت اسرار تجاری از سال ۲۰۱۴ کاهش قابل توجهی یافته‌است.



## نمودار ۲: ارزش فروش صنعت به تفکیک نوع مالکیت (۱۰۰ میلیون رنمینی)



منبع: دفتر آمار ملی چین.

شکایت از شیوه‌های تجارت غیرمنصفانه چین از زمانی آغاز گردید که چین به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمد. البته امروزه شکایات صورت گرفته از چین با دهه اول عضویت این کشور در سازمان تجارت جهانی تفاوت دارند. در آن زمان همواره عنوان می‌شد که چین نرخ ارز و یارانه‌های صادراتی دیگر (مانند تخفیف مالیاتی) را به نفع خود تغییر

۱. در واقع، با توجه به مبحث دیرینه درباره الحاق چین به سازمان تجارت جهانی در دهه ۱۹۹۰، احتمال دارد که این شکایات از مدت‌ها قبل از عضویت چین مطرح بوده‌اند.

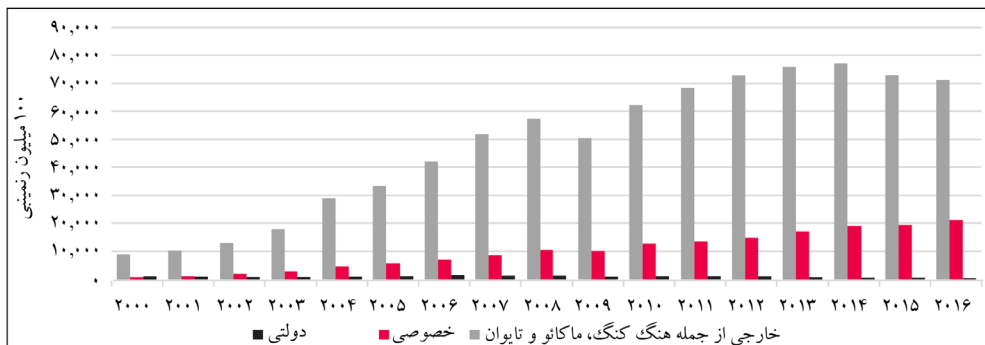
می‌دهد و در نتیجه تغییر این دو مورد، صادرات چین به شکل غیرطبیعی از شرکای تجاری آن بیشتر است. این مسائل مربوط به دهه ۲۰۰۰ بودند، ولی اکنون دیگر نظام نرخ ارز چین موضوع تجاری مهمی محسوب نمی‌شود و سهم صادرات چین از تولید ناخالص داخلی نیز به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته و به‌حدی رسیده‌است که با اقتصاد کشوری که به سمت تولید داخلی بیشتر و بهتر می‌رود و پله‌های پیشرفت فناوری را طی می‌کند، همخوانی دارد.

علاوه بر این، حذف یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم شرکت‌های خارجی یکی از تغییرات اصلی است که طی یک دهه گذشته در سیاست صنعتی چین رخ داده‌است. با وجود این چنانکه در نمودار ۳ می‌بینید، سود حاصله از مازاد تجارت خارجی چین که همواره میزان قابل توجهی است، همیشه به شرکت‌های خارجی تعلق دارد. با این که شهرها و استان‌های غربی چین همچنان به مشوق‌های مالیاتی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی متکی هستند، ولی سال‌هاست که مازاد حساب جاری که پس از ورود این کشور به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱ به اندازه قابل توجهی افزایش یافت، در حال کاهش است.

پس می‌توان گفت برنامه موفق ساخت چین ۲۰۲۵ که بر بازار داخلی کالاها و خدمات فناوری پیشرفته تمرکز دارد، می‌تواند به‌طور بالقوه مازاد خارجی چین را نسبت به شرکای تجاری آن کاهش دهد. همچنین باید توجه داشت مازاد خارجی چین که در سال ۲۰۰۷ به اوج خود رسید، با گذشت زمان به تدریج کاهش یافته و همچنان نیز در حال کاهش است (به نمودار ۴ رجوع شود). حتی اگر چین در بخش کالاها همچنان دارای مازاد تجاری باشد، ولی در بخش خدمات از حدود سال ۲۰۱۰ با کسری تجاری مواجه بوده‌است و کسری آن در این بخش در حال افزایش است. علاوه بر این، برنامه‌ریزان اقتصادی این کشور کاهش مازاد کالاها و رشد کسری خدمات را پیش‌بینی کرده بودند، هر چند در ارتباط با رفع این مشکلات کمک شایانی نکرده‌اند.

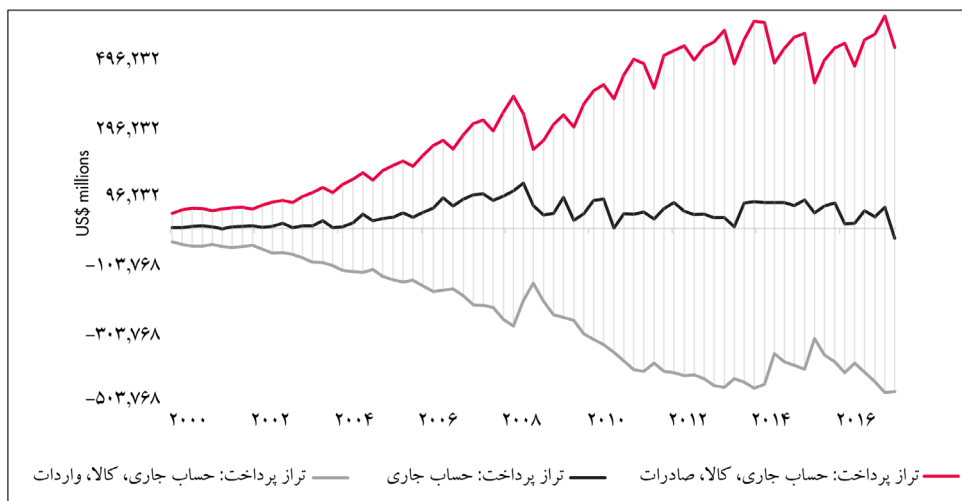
۱. شایان ذکر است که برآورد دقیقی از ارزش واقعی صادرات در نمودار ۳ نشان داده نشده‌است. از آنجا که به‌منظور بهره‌گیری از امتیازات اعطا شده به شرکت‌های با سرمایه‌گذاری خارجی، جریان خروجی سرمایه به شکل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به چین بازمی‌گردد، پدیده رفت و برگشت سرمایه اتفاق می‌افتد و در نتیجه نمی‌توان برآورد دقیقی ارائه داد. براساس بعضی از برآوردهای صورت گرفته، رفت و برگشت سرمایه تا قبل از سال ۲۰۰۸ حدود ۴۰ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را شامل می‌شد، اما تا سال ۲۰۱۴ که یارانه‌های صادراتی شرکت‌های با سرمایه‌گذاری خارجی به تدریج حذف شد، این رقم کاهش قابل ملاحظه‌ای یافت و به ۱۴ درصد رسید.

نمودار ۳: ارزش صادرات شرکت‌های صنعتی به تفکیک منشأ سرمایه



منبع: دفتر آمار چین.

نمودار ۴: تراز حساب جاری چین



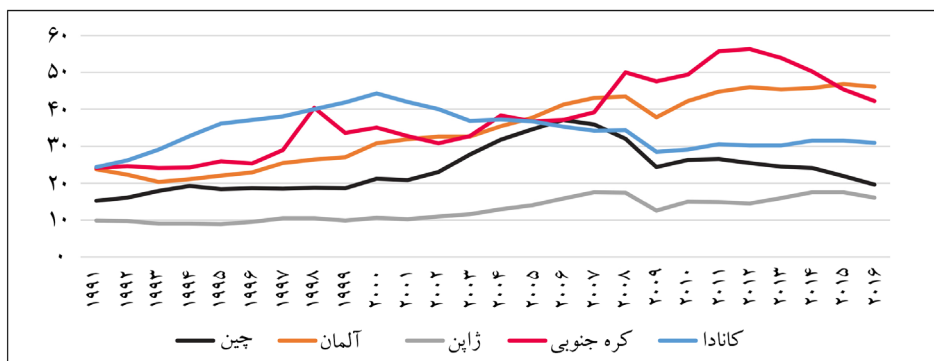
منبع: CEIC, [www.ciecddata.com/en](http://www.ciecddata.com/en)

چنانکه برد ستسر<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) خاطر نشان کرده‌است، در حال حاضر تراز تجاری کالاهای تولیدی چین تقریباً هفت درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را دربرمی‌گیرد که

1. Brad Setser

حاکمی از این واقعیت است که شرکای تجاری پکن همچنان از پیامدهای اقتصاد کلان تلاش‌های چین برای صعود در زنجیره ارزش تولید جهانی به شکلی منطقی شکایت می‌کنند. همچنین لازم به ذکر است که همان‌گونه که در نمودار ۵ نشان داده شده است، اگر تجارت خدمات در کنار کالاها در نظر گرفته شود، سهم صادراتی چین از تولید ناخالص داخلی به مراتب از کره جنوبی یا آلمان و حتی کانادا کمتر است.

نمودار ۵: صادرات کالاها و خدمات (درصد از تولید ناخالص داخلی)



منبع داده: بانک جهانی.

از زمانی که چین به سازمان تجارت جهانی پیوسته است، رشد سریع دستمزدها باعث کاهش سریع حاشیه سود در تولید با ارزش افزوده متوسط و پایین شده است و بسته محرک اقتصادی چین بعد از سال ۲۰۰۸ که به هزینه‌های زیرساخت داخلی گسترده متکی بود، موجب افزایش بدهی شرکتی به طرز غیر قابل کنترلی شده است. برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ یکی از پاسخ‌های سیاستی اصلی جهت مقابله با معضل دوگانه کاهش درآمدهای صادراتی و افزایش بدهی‌های داخلی محسوب می‌شود. این تغییر روند باعث می‌شود که چین سرمایه‌گذاری ثابت دولتی را به جای صنایع استخراج منابع مبتنی بر سرمایه و انرژی بر روی فعالیت‌های تولیدی کارآمدتر (نظیر انرژی پاک) و سرمایه‌گذاری خارجی به منظور اکتساب فناوری خارجی متمرکز نماید و همچنین سرمایه‌گذاری را به جای مونتاژ لوازم الکترونیکی ارزان‌قیمت بر روی مرزهای فناورانه متمرکز کند و بدین ترتیب، موفق به صعود

در زنجیره ارزش شود.

دولت‌ها و شرکت‌های خارجی برای این از این برنامه غافلگیر شده‌اند که آن‌ها انتظار داشتند پکن مسیر اصلاحات متفاوتی را درپیش بگیرد و به بیان دقیق‌تر، به سمت خصوصی‌سازی بیشتر شرکت‌های دولتی حرکت کند و آزادسازی نظام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تسهیل بخشد. از آنجا که چین در این دو مسیر پیشرفت چندانی نکرده‌است، واکنش شدید به برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ به نظر می‌رسد برگرفته از این دیدگاه است که چین نظام تجاری و سیاست‌های خود را تغییر داده‌است و بین شرکت‌های خارجی تبعیض قائل می‌شود. درحقیقت، تفاسیر و تحلیل‌های متعدد برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ بر این واقعیت دلالت دارند که بین بخش صادرات و بازار داخلی چین تفاوتی اساسی وجود دارد و بخش صادرات از قدیم متمایل به شرکت‌های خارجی بوده و بازار داخلی متمایل به بازیگران داخلی بوده‌است. از آنجا که بازار داخلی چین به سرعت درحال گسترش است، طبیعتاً شرکت‌های خارجی از رقبای داخلی عقب می‌افتند و به بیان دقیق‌تر، قسمت اعظم صنعت خدمات چین جزء گروه‌های «محدود» و «ممنوع» در فهرست سرمایه‌گذاری خارجی دولت چین در نظر گرفته می‌شوند.

سال گذشته، شورای دولتی یک سند با عنوان «توسعه اقدامات مربوط به جذب و استفاده فعالانه از سرمایه‌گذاری خارجی» منتشر کرده‌است که حاوی اهداف بلندپروازانه (نه اهداف خاص) مبنی بر رفع موانع اداری و محدودیت‌های دسترسی به بازار در طیف گسترده‌ای از بخش‌ها از بخش معدن گرفته تا بخش تولید می‌باشد. در این سند وعده مبنی بر رفع الزامات حداقل سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های خارجی داده شده‌است. همچنین وعده داده شده‌است که شرکت‌های خارجی بتوانند در پروژه‌های ملی برنامه‌ریزی علم و فناوری مشارکت کنند (این پروژه‌ها بخش مهمی از برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ و طرح‌های دیگر به شمار می‌آیند) و مشمول سیاست‌های ترجیحی تحقیق و توسعه و سایر سیاست‌های مربوط به شرکت‌های فناوری پیشرفته شوند. بدین منظور، وزارت بازرگانی اخیراً اعلام کرده‌است که اقدامات مهمی در جهت آزادسازی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام خواهد داد و رفع الزامات سرمایه‌گذاری مشترک خارجی در بخش خودرو و رفع محدودیت‌های مالکیت خارجی در

بخش‌هایی مانند بانکداری از جمله این اقدامات به شمار می‌آیند.

حال باید دید که آیا آزادسازی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پایدار است و در آینده هم ادامه دارد یا خیر. آیا سیاست‌گذاران چینی می‌توانند مشکلات مهم دیگری که کسب و کارهای خارجی با آن‌ها در چین مواجه هستند را رفع نمایند یا خیر. حمایت از شرکت‌های داخلی در برخی بخش‌ها از طریق اجرای ناعادلانه قوانین، ناهماهنگی نظارتی و اعطای مزایا به شرکت‌های خصوصی داخلی که دولت‌های محلی در آن‌ها سهام دارند، از جمله مشکلات پیش روی کسب و کارهای خارجی در چین به شمار می‌آیند.

به علاوه، شرکت‌های خارجی از این واقعیت خسته شده‌اند که تقریباً همه گروه‌های صنعت ذکر شده در فهرست توسعه برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ شامل صنایعی هستند که شرکت‌های خارجی باید در گروه «محدود» کاتالوگ فعلی سرمایه‌گذاری خارجی چین فعالیت کنند (صنعت ارتباطات و هوافضا مهم‌ترین صنایع هستند). شرکت‌های خارجی همچنین نگران این هستند که با توجه به اندازه گسترده و به طور پیوسته در حال رشد بازار داخلی کشور چین، نمی‌توانند برای انتقال یک فناوری خاص با سرمایه‌گذاری مشترک قرارداد منعقد نکنند. زیرا در صورت امتناع از انعقاد قرارداد عملاً صحنه را به دست رقبا می‌سپارند. این امر نشان می‌دهد که کسب و کارها درباره قدرت بازار چین نگرانند. سیاست‌گذاران چینی هم با چین معضلی دست به گریبان هستند و در واقع، تعداد معدودی از شرکت‌های چندملیتی توانسته‌اند سهم بیشتری از خروجی جهانی در صنایع مورد نظر آن‌ها را از آن خود کنند. با این حال در پاسخ به این معضل، چین نسبت به تقویت رقابت‌پذیری شرکت‌های داخلی و همچنین هموار کردن محیط رقابتی برای همه شرکت‌های مستقر در مرزهای چین اقدام کرده‌است. گسترش حقوق مالکیت فکری در چین بارزترین نمونه به شمار می‌آید.

## ۶- حکمرانی مالکیت فکری در چین

از اوایل دهه ۱۹۹۰ چین به دلیل نظام مالکیت فکری ضعیف و ناکارآمد خود و تخلف در زمینه پتنت، کپی‌رایت و علائم تجاری بدنام شده بود. چین نیز مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه با قطع گره گوردیان<sup>۱</sup> در راستای تطبیق فناوری خود تلاش می‌کند و همزمان از هنجارهای بین‌المللی و سختگیرانه مالکیت فکری تبعیت می‌کند. همان‌طور که قبلاً گفته شد، اگرچه سیاست سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موضوع بحث‌برانگیزی بین چین و بسیاری از شرکای تجاری آن محسوب می‌شود، ولی بسیاری از ناظران از پیشرفت چشمگیر چین در زمینه اجرا و حمایت از مالکیت فکری شگفت‌زده شده‌اند. در واقع، چین در ابتدا اقدامات مربوطه را با برنامه میان‌مدت و بلندمدت توسعه علم و فناوری آغاز کرد که در سال ۲۰۰۶ منتشر گردید.

مقامات چینی طی یک دهه گذشته اقدامات مهمی در راستای ایجاد نظام مالکیت فکری پایدار و کارکردی انجام داده‌اند تا بخش خصوصی به سرعت در حال گسترش را وارد بازار داخلی نمایند و همین مسأله باعث تقویت حضور شرکت‌های چندملیتی داخلی و خارجی شده‌است.

در سال ۲۰۰۸ چین با انتشار راهبرد ملی مالکیت فکری<sup>۲</sup>، اهداف و معیارهای خاص و راهبرد راهنما برای نظام مالکیت فکری را تعیین نمود که هر دو این‌ها با هنجارهای جهانی همگرا شده و این امکان را برای سیاست‌گذاری چین فراهم آورده‌اند تا سیاست ملی نوآوری و صنعتی‌سازی خاصی را دنبال کند. این سند مستلزم افزایش پتنت، کپی‌رایت و علائم تجاری ثبت‌شده در چین و خارج از چین توسط شهروندان چینی و همچنین شرکت‌های خارجی است تا از مالکیت فکری حمایت بیشتری به عمل آید و سهم دارایی‌های مالکیت فکری به‌عنوان سهم تولید ناخالص داخلی افزایش داده شود. در این سند چنین تصریح

۱. گره گوردیان افسانه‌ای مرتبط با اسکندر کبیر است. این عبارت به مشکلی معما مانند اشاره دارد.

2. National Intellectual Property Strategy

شده است که «چین تا سال ۲۰۲۰ در زمینه ایجاد، استفاده، حمایت و مدیریت حقوق مالکیت فکری به سطح نسبتاً بالایی خواهد رسید».

بدون تردید، راهبرد مالکیت فکری ۲۰۰۸ تا حد زیادی بر ایجاد نظام مالکیت فکری بومی متمرکز بود و نسبت به تعدیل منافع پدیدآورندگان داخلی و خارجی مالکیت فکری و حمایت از حقوق دارندگان مالکیت فکری خارجی تعهد قوی نداشت. با این حال طی سال‌های اخیر، اقدامات بیشتری در راستای حمایت از حقوق دارندگان مالکیت فکری خارجی صورت گرفته است. در ابتدا بسیاری از شرکت‌های خارجی تحت تأثیر وعده‌های داده شده توسط رهبری چین قرار نگرفتند. با لحنی که منعکس‌کننده بحث کنونی در مورد اهداف سیاستی برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ است، در مقاله اتاق بازرگانی ایالات متحده در سال ۲۰۱۰ بیان شد که سیاست ارتقای صنعتی چین اساساً منجر به تلاش دولت در جهت سرقت یا ارباب شرکت‌های خارجی جهت انتقال فناوری خود به هم‌تایان داخلی خود در چین می‌شود (نگرانی‌های مشابه در گزارش اتاق بازرگانی اتحادیه اروپا در چین [۲۰۱۷] در مورد برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ مطرح شده است).

با این حال، سال ۲۰۱۰ مصادف با زمانی بود که اهداف عینی و کمی چین مبنی بر حمایت از مالکیت فکری در دوازدهمین برنامه پنج‌ساله چین تصریح شد. به طور مثال، سیاست‌گذاران چینی تعیین کردند که بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵، ۳/۳ پتنت به ازای هر ۱۰,۰۰۰ نفر از ساکنان ثبت شود که البته در عمل پتنت چین تقریباً دو برابر این میزان افزایش یافت. در سال ۲۰۱۶ در «طرح کلی شورای دولتی در خصوص حمایت قضایی از مالکیت فکری در چین»<sup>۱</sup> به طور خاص بر اجرای برابر حقوق مالکیت فکری برای شرکت‌های خارجی تأکید شد. در سال بعد ۱۲ سازمان دولت مرکزی با انتشار اعلامیه‌ای مشترک در مورد هماهنگ‌سازی روند اجرای حقوق مالکیت فکری شرکت‌های خارجی از جمله مبارزه با نقض علائم تجاری، سرقت آنلاین و سرقت اسرار تجاری توافق کردند.

برخی به طور دقیق به این نکته اشاره کرده‌اند که بسیاری از پتنت‌ها در طول یک دهه

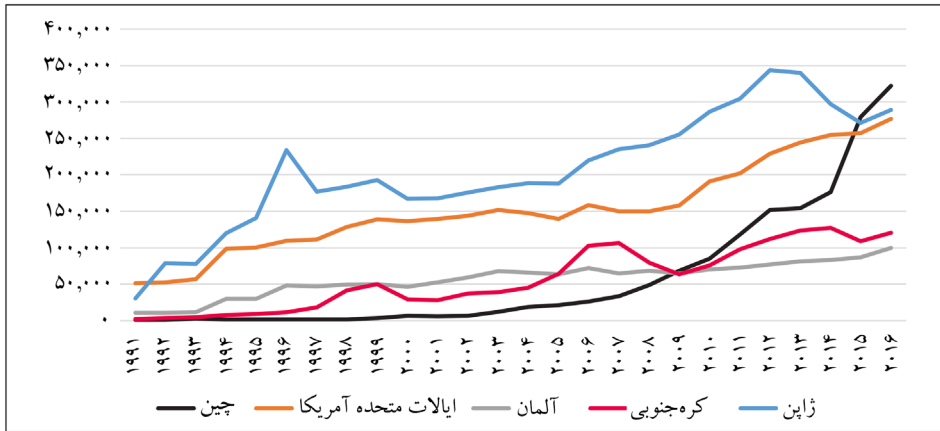
1. the State Council's "Outline of the Judicial Protection of Intellectual Property in China"



گذشته برگرفته از پتنت‌های دیگری بوده‌اند و به عبارت دیگر، حقوق مالکیت فکری جدید در چین به جای پتنت یا ثبت علائم تجاری فناوری‌های اساساً جدید مبتنی بر اختراعات موجود است. این مسأله با یافته‌های بررسی‌های متعدد درباره ویژگی بارز همپایی فناورانه و نوآوری چین مطابقت دارد. در واقع چین به جای تمرکز بر عرضه فناوری‌های جدید به بازار، بر مقیاس‌گذاری، تجاری‌سازی و کاهش قیمت فناوری‌های موجود و زمان موردنیاز برای عرضه این فناوری‌ها در بازار انبوه متمرکز است. این فرایند اغلب به مشارکت با شرکت‌های خارجی به منظور توسعه فناوری‌های موجود برای بازار داخلی چین قبل از جهانی‌شدن آن‌ها متکی است.

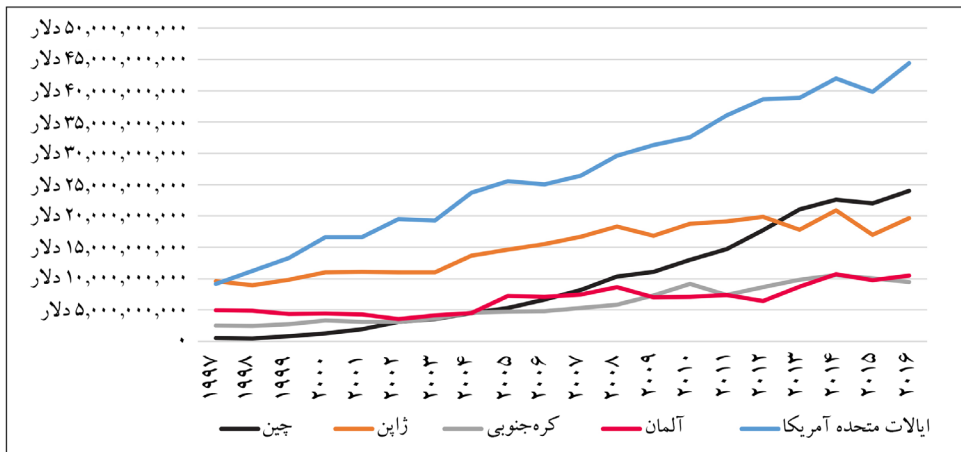
همان‌طور که در نمودار ۶ نشان داده شده‌است، تعداد کل پتنت‌ها برای سازمان‌ها و نهادهای چینی در دهه گذشته در مقایسه با سایر کشورهای دارای تولید پیشرفته فناورانه به شدت افزایش یافته‌است. به‌طور مشابه، هزینه استفاده از مالکیت فکری و پرداخت‌ها (نمودار ۷) نیز از اواسط دهه ۲۰۰۰ به طرز فاحشی افزایش یافته‌است که نشان می‌دهد برنامه دولت جهت تجاری‌سازی و بهبود روند اجرای حقوق مالکیت فکری تا حدی عملی شده‌است. واقعیت این است که توسعه تجاری‌سازی و اجرای مالکیت فکری هنوز در مراحل اولیه خود است. در کشوری که عملاً تا اوایل دهه ۱۹۹۰ نظام حقوق مالکیت فکری کارآمدی نداشته‌است و تا اواخر این دهه نیز با تحریم رسمی اقتصاد خصوصی مواجه نبوده‌است، آمار و ارقام نشان می‌دهند که این فرضیه دیرینه که اقتصاد چین فاقد حمایت از حقوق مالکیت فکری است، فرضیه غلطی است.

نمودار ۶: کل ثبت اختراعات (ورودی‌های فاز ملی پیمان همکاری مستقیم و حق ثبت اختراع)



منبع داده: سازمان جهانی مالکیت فکری

نمودار ۷: هزینه‌های استفاده از مالکیت فکری، پرداخت‌ها (تراز پرداخت‌ها، بر حسب دلار آمریکا)

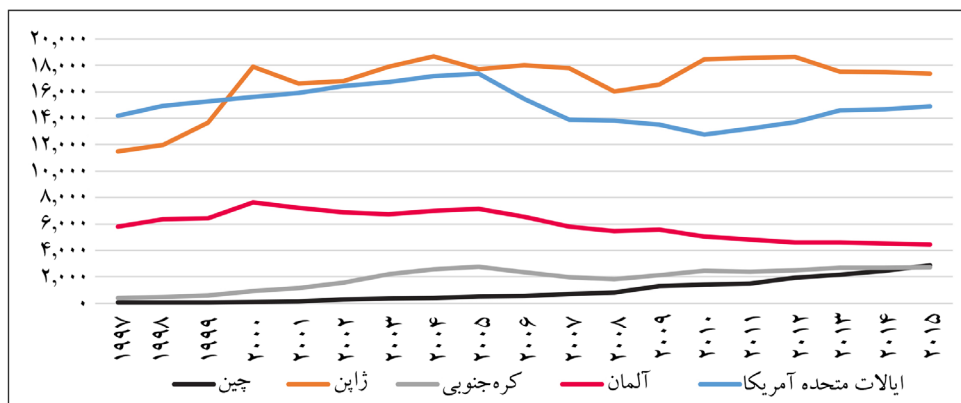


منبع داده: بانک جهانی، <https://data.worldbank.org/indicator/BX.GSR.ROYL.CD>

بررسی چگونگی اجرای حقوق مالکیت فکری در چین مسأله مهمی است. شایان ذکر است که در مواجهه با این سوءظن‌ها که نظام مالکیت فکری چین در راستای منفعت شرکت‌های بومی چینی ایجاد شده‌است و این که سیاست‌های صنعتی فناوری پیشرفته چین

به دنبال تقویت مرکزیت مالکیت فکری است، خارجی‌ها عملاً در زمینه اجرای احکام مناسب در دادخواهی‌های مربوط به نقض پتنت، همانند رقبای چینی خود و یا بهتر از آن‌ها عمل می‌کنند. در واقع، عملکرد آن‌ها (به‌عنوان شاکی یا متهم) در مشاجره‌های مربوط به نقض پتنت با نهادهای داخلی، به طرز بی‌تناسبی موفقیت‌آمیز است و در مقایسه با پرونده‌هایی که طرف دعوی فقط چینی هستند، موفق به اخذ خسارات بیشتری می‌شوند. علاوه بر این باید توجه داشت که تعداد ثبت پتنت‌های چین در خانواده‌های پتنت «سه‌گانه» سازمان همکاری اقتصادی و توسعه<sup>۱</sup> - پتنت‌هایی که در ژاپن، ایالات متحده و اتحادیه اروپا مورد حمایت قرار دارند - نیز افزایش قابل توجهی یافته است (به نمودار ۸ رجوع شود).

نمودار ۸: پتنت‌های سه‌گانه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (برحسب کیفیت)



منبع داده: سازمان همکاری اقتصادی و توسعه OECD, <https://data.oecd.org/rd/triadic-patent-families.htm>

اگرچه تعداد پتنت‌های چینی در این گروه تقریباً به اندازه کشورهای پیشگام و به عبارتی ایالات متحده و ژاپن بالا نیست، ولی چین با سایر کشورهای مهم در زمینه ثبت مالکیت فکری و به عبارتی آلمان و کره جنوبی برابری می‌کند. همچنین با این که برخی با اذعان به اهمیت خانواده پتنت‌های سه‌گانه، ثبت این گونه پتنت‌ها را به‌عنوان شاخص محاسبه کیفیت پتنت‌های چینی قلمداد می‌کنند، این موضوع مهم است که در مورد پیامدهای ثبت پتنت در خانواده

1. OECD "triadic" patent families

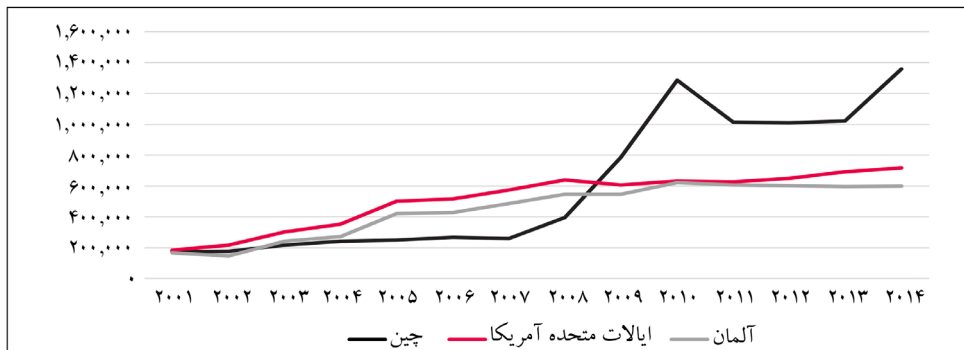
پتنت‌های سه گانه اغراق نکنیم. متقاضیان ثبت اختراع چینی ممکن است به دلایل متعددی از جمله زمان پردازش طولانی (که در برخی موارد، به مدت شش سال طول می‌کشد) و حساب ساده هزینه-فایده (هزینه ثبت پتنت سه گانه بسیار زیاد است و برای شرکت‌های چینی که منافع تجاری قابل توجهی در خارج از کشور ندارند، معقول نیست) تصمیم بگیرند از ثبت اختراع سه گانه صرف نظر کنند. سطح پایین پتنت‌های سه گانه چین نسبت به ایالات متحده و ژاپن ممکن است بیشتر از این که بیانگر پیشرفت نظام حقوق مالکیت فکری چین باشد، گویای تسلط شرکت‌های چندملیتی آمریکایی و ژاپنی در بازارهای جهانی باشد. علاوه بر این، «کیفیت» پتنت به منزله معیار عینی حقوق مالکیت فکری نیست و فقط به ارزش تجاری پتنت‌های خاص اشاره دارد. به همین ترتیب، پتنت‌های سه گانه بیشتر گویای بین‌المللی سازی نظام حقوق مالکیت فکری چین هستند تا پیشرفت آن در داخل کشور.

در نظام علائم تجاری نیز الگوی توسعه مشابهی به‌ویژه پس از انتشار برنامه میان‌مدت و بلندمدت توسعه علم و فناوری اعمال شده‌است. در نمودار ۹ نشان داده شده‌است که ثبت علائم تجاری چین - کشوری که در تصور عمومی مخاطبان کشورهای پیشرفته به‌عنوان مهد علائم تجاری جعلی و محصولات مقلد محسوب می‌شود - از سال ۲۰۰۶ رشد چشمگیری یافته‌است. نکته قابل توجه در این زمینه این است که تعقیب کیفری نقض علائم تجاری و کالاهای زیراستاندارد و تقلبی افزایش قابل توجهی یافته‌است و به همین ترتیب چین مقام ششم را از نظر ثبت علائم تجاری در نظام حمایت از علائم تجاری بین‌المللی مادرید<sup>۱</sup> کسب نموده‌است. در ارتباط با محتوای دارای کپی‌رایت می‌توان گفت که دولت چین در زمینه به‌روزرسانی و اجرای قوانین کپی‌رایت فعال بوده و از محتوای دیجیتال حمایت قوی به عمل آورده و به منظور حمایت از محتوای دارای کپی‌رایت در تمام حوزه‌های قضایی کشور، موافقت‌نامه‌های متعددی با دولت‌های خارجی امضا کرده‌است.<sup>۲</sup>

۱. Madrid System of Internatinoal Trademark Protection: نظام علامت تجاری بین‌المللی مادرید امکان حمایت از ثبت علائم تجاری ملی را در حداکثر ۱۱۷ کشور عضو به‌طور هم‌زمان فراهم می‌نماید.

۲. شایان ذکر است که تقاضاهای ثبت اختراع در معاهده همکاری ثبت اختراع چین (اعم از موفق یا ناموفق) شامل اختراعات ثبتی مؤثری نیستند. در مرحله ثبت در معاهده همکاری ثبت اختراع چین فقط این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد که آیا فناوری یا اختراع محسوب می‌شوند یا خیر و در واقع، پتنت قابل اجرای قانونی در حوزه قضایی خاصی ثبت نمی‌شود. «مرحله ملی» تقاضای ثبت اختراع زمانی است که اختراعات ثبتی در معاهده مذکور به طور قانونی در یک یا چند حوزه قضایی مورد حمایت قرار می‌گیرند.

نمودار ۹: تعداد کل ثبت علائم تجاری (مستقیم و از طریق نظام مادرید)



منبع داده: سازمان جهانی مالکیت فکری

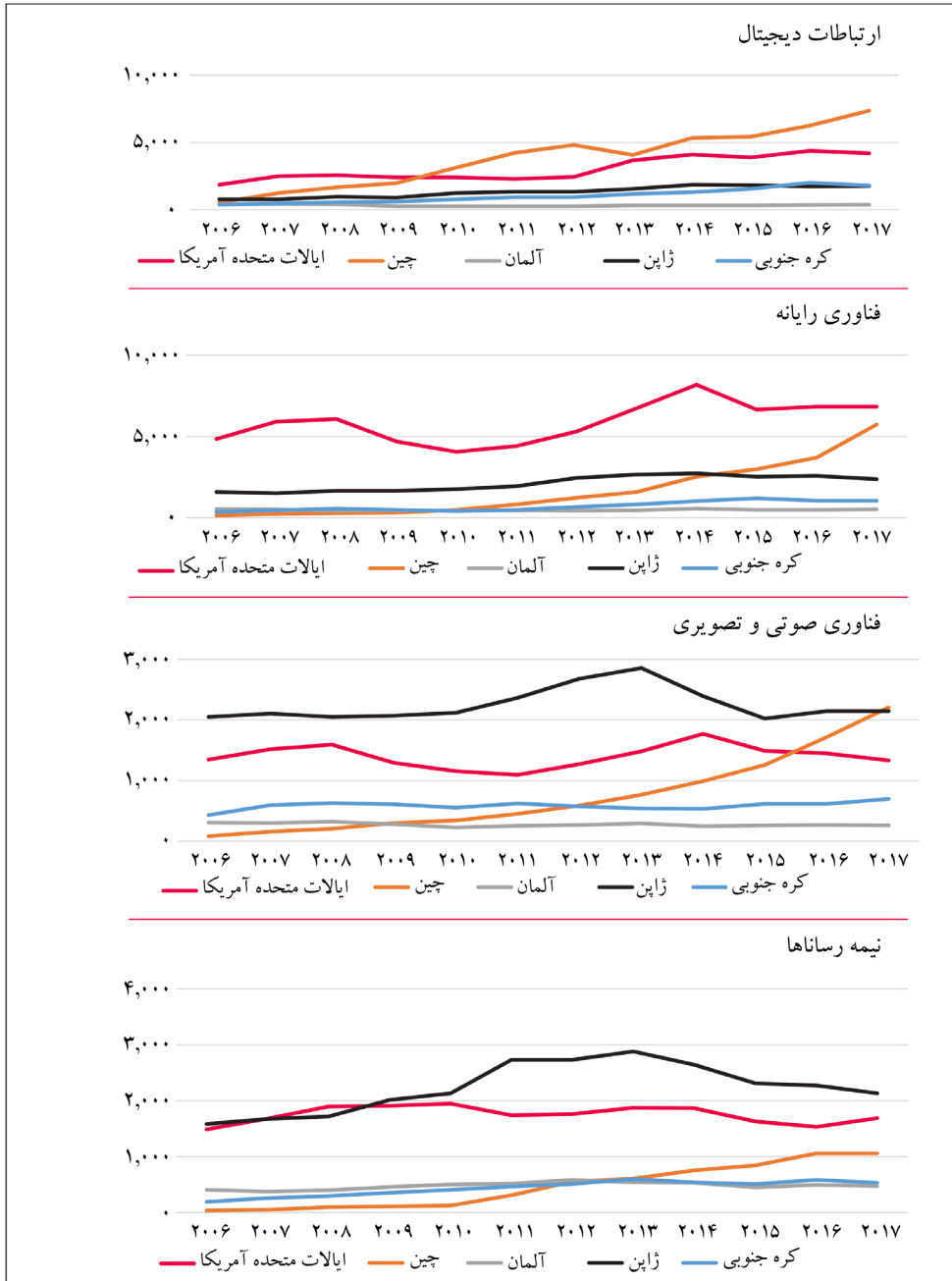
پکن در چهارچوب برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ پیشنهاد داده‌است که از شرکت‌های خارجی جهت مشارکت در زمینه تنظیم استانداردها دعوت شود. این امر نشان‌دهنده تمایل دولت به مشارکت شرکت‌های چینی در تعیین استاندارد جهانی و همچنین توسعه پتنت‌های ضروری استاندارد چینی (SEPs) است. همان‌طور که دن برزنیتر<sup>۲</sup> و مایکل مورفری<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) نشان داده‌اند، اگرچه شرکت‌های خارجی عمدتاً در فرایند تعیین استانداردهای فناوری بومی چین نادیده گرفته شده‌اند، ولی این روند منجر به تکثیر استانداردهای چینی نشده‌است. بلکه این امر منجر به کاهش هزینه‌ای شده‌است که دارندگان مالکیت فکری خارجی باید برای فناوری پتنت‌های ضروری استاندارد بپردازند. با این حال همان‌طور که در برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ پیش‌بینی شده‌است، همزمان با این که کسب و کارهای چینی به جهانی شدن خود ادامه می‌دهند و از همه مهم‌تر، همان‌طور که شرکت‌های چینی همچنان به پیشروی از نردبان سلسله مراتبی زنجیره‌های ارزش جهانی ادامه می‌دهند، تأکید چین بر کاهش هزینه پتنت‌های ضروری استاندارد و تطابق تدریجی چین با استانداردهای جهانی موضوع عجیبی نیست.

1. Standard Essential Patents
2. Dan Breznitz
3. Michael Murphree

در نمودار ۱۰ نشریه‌های معاهده همکاری ثبت اختراع چین (PCT) در زمینه فناوری‌های پیشرو از جمله ارتباطات دیجیتال (۱۰/۱)، فناوری رایانه (۱۰/۲)، فناوری صوتی و تصویری (۱۰/۳) و نیمه‌رساناها (۱۰/۴) نشان داده شده است. چنانچه ملاحظه می‌کنید، مالکیت فکری چینی به‌طور فزاینده مطابق معاهده همکاری ثبت اختراع سازمان جهانی مالکیت فکری ثبت می‌شود، بدین معنا که همه فناوری‌ها مرحله قبل از ثبت را در حوزه‌های قضایی اصلی مالکیت فکری طی کرده‌اند. به‌طور معمول دانشگاه‌ها سهم نامتناسبی از تقاضاهای معاهده همکاری ثبت اختراع را در برمی‌گیرند. این امر بدین دلیل است که دانشگاه‌ها معمولاً در زمینه تحقیق و توسعه مقدماتی در بخش «بالادستی» فعالیت دارند و از منابع یا اختیار لازم برای تعیین پتانسیل تجاری اختراعات خود برخوردار نیستند و از این رو نظام معاهده همکاری ثبت اختراع به آنها کمک می‌کند تا به آن دست یابند. با این حال در چین، تقاضاهای ثبت تحت تسلط متقاضیان تجاری قرار دارند. این امر نشان می‌دهد که شرکت‌های چینی به دنبال بین‌المللی کردن تجاری‌سازی دارایی‌های مالکیت فکری خود هستند. بنابراین تجاری‌سازی مالکیت فکری چین به‌نظر می‌رسد که بازارمحور باشد و دامنه آن به‌طور فزاینده جهانی و فراگیر خواهد شد.

همان‌طور که در نمودارهای زیر نشان داده شده است، تعداد پتنت‌های ثبت شده توسط متقاضیان چینی در چندین گروه از فناوری‌ها با سایر اقتصادهای پیشرفته از نظر فناوری مانند آلمان، ژاپن، کره جنوبی و ایالات متحده قابل رقابت است. این موضوع از این جهت درخور توجه است که در حوزه‌هایی مانند ارتباطات دیجیتال و فناوری رایانه، شرکت‌های پیشرو بخش خصوصی چینی مثل هواوی، زد تی ای و علی بابا، بیشتر پتنت‌های خود را در خارج از چین ثبت می‌کنند و به‌طور فعال در طرح‌های انتقال فناوری با دانشگاه‌ها و سایر مراکز تحقیقاتی مشارکت می‌کنند.

نمودار ۱۰: تعداد نشریه‌های معاهده همکاری ثبت اختراع برحسب کشور مبدأ



منبع داده: سازمان جهانی مالکیت فکری

چین از نظر تأثیرگذاری در نظام ثبت اختراع جهانی هنوز هم از اقتصادهای بزرگ عقب‌تر است. به‌ویژه این‌که چین جهت تأثیرگذاری در تولید دارایی پتنت‌های ضروری استاندارد و گردآوری پورتفولیوهای پتنت‌های ضروری استاندارد هنوز اقدامات چندانی انجام نداده‌است. درواقع، شرکت‌های فناوری خصوصی چینی دقیقاً به این دلیل سعی دارند به رقابت مستقیم با هم‌تایان خارجی خود بپردازند که در محیطی که قوانین پتنت به طور جدی‌تری اجرا می‌شود، کسب مجوزهای انتقال از خریدار به فروشنده پتنت‌های ضروری استاندارد مسلماً دشوار خواهد بود.

چین در زمینه توسعه مالکیت فکری از منظر تجاری‌سازی، داوری و اجراء، روند مثبتی در پیش گرفته‌است. اگرچه نظام حقوق مالکیت فکری چین در نهایت ممکن است متمایز از نظام حقوق مالکیت فکری مورد تأیید کشورهای باشد که امروزه کنترل بخش عمده دارایی‌های نامشهود جهان را در اختیار دارند، ولی شایان ذکر است که تعداد پتنت‌ها دقیقاً در مناطق تولیدی مورد تأکید در برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ افزایش یافته‌است. همان‌طور که برایان جی لاو<sup>۱</sup>، کریستین هلمرز<sup>۲</sup> و مارکوس ابرهاردت<sup>۳</sup> دریافته‌اند، صرف‌نظر از این‌که سیاست‌گذاران درصدد ایجاد نظام مالکیت فکری در راستای حمایت از شرکت‌های داخلی بوده‌اند یا خیر، «چنین به‌نظر می‌رسد که آن‌ها یک نظام مالکیت فکری ایجاد کرده‌اند که بیشتر در راستای منافع شرکت‌های خارجی است تا شرکت‌های داخلی. علاوه بر آن، نظام مالکیت فکری موردنظر باعث شکایات و اختلافات زیادی بین شرکت‌های داخلی شده‌است».

---

1. Brian J. Love  
2. Christian Helmers  
3. Markus Eberhardt



## ۷- بررسی مجدد سیاست صنعتی چین

بررسی قبلی برنامه چین مبنی بر ارتقای جایگاه خود در زنجیره ارزش تجارت جهانی نشان می‌دهد که شرکت‌های خارجی همچنان نقش مهمی را در اقتصاد چین (به‌ویژه در بخش کالاهای قابل مبادله و همچنین در خرده‌فروشی و کالاهای مصرفی) ایفا می‌کنند و نظام ملی مالکیت فکری چین به سرعت در حال تقویت و بین‌المللی‌سازی فرآیند حمایت و تجاری‌سازی حقوق مالکیت فکری است. همزمان، چین همچنان به‌طور گسترده از الزامات سرمایه‌گذاری مشترک در جهت بومی‌سازی فناوری وارداتی و اولویت‌بندی انتقال دارایی‌های مالکیت فکری به شرکت‌های چینی و اقتصاد داخلی چینی استفاده می‌کند. اگر این سیاست‌ها قوانین کتبی سازمان تجارت جهانی را نقض نمی‌کنند، آنگاه آیا به‌طور کلی، روحیه تجارت آزاد و عملکرد متقابل در حکمرانی تجارت جهانی را نقض می‌کنند؟

این بخش حاکی از آن است که جواب این سؤال بسیار ساده است. سیاست‌های صنعتی چین حاکی از چالش‌های مستمری در ارتباط با ایجاد قوانین جهانی و به‌طور متقابل سودمند در خصوص تجارت و سرمایه‌گذاری فرامرزی هستند و در عین حال، «فضای سیاستی» کافی برای کشورهای در حال توسعه را ایجاد می‌کنند تا به دنبال اولویت‌های داخلی باشند. در ارتباط با چین، این امر به ظرفیت رسیدگی به مسائل تمرکز بازار جهانی و همچنین چالش موجود جهت تطبیق اولویت‌های امنیت ملی با ضرورت کاهش اختلاف‌نظر در مورد جابه‌جایی فرامرزی کالا و خدمات اشاره دارد.

این معضلات در مورد برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ نیز به‌صورت ذاتی در هم تنیده شده‌اند. به‌عنوان مثال، تأکید چین بر تقویت بومی‌سازی بخش نیمه‌رسانا را در نظر بگیرید. ممنوعیت مختصر اخیر (برای خرید قطعات آمریکایی توسط غول مخابرات چینی زد تی‌ای) مهم‌تر

۱. این ممنوعیت به شرط تغییر ساختار مدیریت، جریمه سنگین (گفته می‌شود ۱/۱۹ میلیارد دلار آمریکا) و استخدام یک متصدی نظارتی آمریکایی برای نظارت بر فروش شرکت، به‌طور موقت برداشته شد.

از همه تراشه‌های نیمه‌رسانای کوالکام) که به دلیل نقض تحریم‌های آمریکایی وضع شده برای ایران و کره شمالی اعمال شده بود، باعث شد که راهبرد بومی‌سازی «قطعات اصلی» نیمه‌رسانای چین به عنوان موضوع اصلی در بحث‌های سیاسی و دانشگاهی درباره سیاست صنعتی چین مطرح شود. درحقیقت، سیاست‌گذاران چینی رقابت‌پذیری تولید تراشه‌های نیمه‌رسانا را به عنوان اولویت ملی از اوایل دهه ۱۹۸۰ در نظر گرفته‌اند. به طور کلی، زد تی‌ای خود تا حدی در نتیجه فشار وارده بر بازار نیمه‌رسانای چین ایجاد شده است. بر کسی پوشیده نیست که هدف از این سیاست صرفاً رقابت‌پذیری اقتصادی نیست - هرچند رقابت‌پذیری مسلماً یکی از چند عامل محرک است - و امنیت ملی نیز هدف این سیاست محسوب می‌شود. مورد زد تی‌ای فقط باعث بالا بردن سطح درک پکن درباره این موضوع شد که در ارتباط با اجزای ارتباطات از راه دور (برای استفاده غیرنظامی و نظامی)، «عرضه ایالات متحده، قابل اعتماد نیست».

## ۸- تمرکز صنعتی جهانی

مورد زد تی‌ای بیانگر مشکل ناشی از امتیازات انحصاری فناوری در مسیر توسعه چین است. به راحتی می‌توان این ادعا که راهبرد بومی‌سازی قطعات اصلی صنعت نیمه‌رسانای چین با هدف تبعیض علیه شرکت‌های خارجی اتخاذ شده‌است را رد کرد. سیاست‌های چین در این صنعت نباید این حقیقت را پنهان کنند که تمرکز صنعت-که با امتیازات انحصاری زیربخش در بخش‌های مختلف طراحی و تولید نیمه‌رسانا به‌علاوه کنترل صادراتی مشخص می‌شود- همپایی فناوری تولیدکنندگان چینی نظیر هوآوی و زد تی‌ای با بازیگران برتر صنعت همانند سامسونگ، توشیبا، کوالکام و تی‌اس‌ام‌سی را بسیار دشوار می‌سازد. بررسی مکنزی در سال ۲۰۱۱ نشان داد که شرکت‌های چینی فعال در طراحی تراشه‌های نیمه‌رسانای تمام‌شده دارای ضریب نفوذ محدودی یعنی حدود یک تا دو درصد جهانی هستند و کمتر از چهار درصد از درآمد جهانی در این بخش را دربرمی‌گیرند و این در حالی است که بازار چین تقریباً ۳۳ درصد از مجموع بازار جهانی صنعت نیمه‌رسانا را تشکیل می‌دهد. در واقع به دلیل کنترل صادراتی که به دلیل مسائل امنیت ملی توسط واشنگتن و تایوان- دو تولیدکننده پیشگام فناوری نیمه‌رسانا- اعمال شده‌اند، حتی در چهارچوب سیاست‌های انتقال فناوری چین نیز دسترسی به فناوری خارجی در بخش‌های مختلف بازار نیمه‌رسانای جهانی تقریباً غیرممکن است.

موضوع سیاست تمرکز بازار بیانگر معضل سیاستی سودهای بالقوه مجموع - صفر است: اگر چین بخواهد از نردبان فناوری بالا برود و مشوق‌هایی برای شرکت‌های داخلی جهت حمایت از تحقیق و توسعه در کشور خود (به جای ایالات متحده آمریکا) لحاظ کند و نوآوری و سودهای بهره‌وری را در کشور ترغیب کند، عملاً شرکت‌های چندملیتی خارجی در بلندمدت شکست خواهند خورد. این مطلب را می‌توان تهدیدی جدی برای منافع کشور مقصد شرکت‌های چندملیتی تعبیر کرد، هرچند الزاماً بدین گونه هم نیست. به‌عنوان مثال،

چین در سال ۲۰۱۵ شرکت کوالکام - تأمین کننده مخابراتی ایالات متحده آمریکا - را که از قدرت بازار جهت بسته بندی پنت های ضروری استاندارد که دارای مجوزهای فناوری غیر پنت های ضروری استاندارد بودند سوء استفاده کرده بود تا بر یک بخش از بازار تراشه تلفن همراه صد در صد تسلط پیدا کند، جریمه کرد.

اگرچه این تصمیم گیری قطعاً به کوالکام آسیب می رساند، اما مزایای مستقیمی را نه تنها برای شرکت های چینی که تجهیزات کوالکام را خریداری می کردند، بلکه برای مصرف کنندگان جهانی تلفن های همراه نیز در برداشت. بنابراین همان طور که چین در زنجیره ارزش فناوری رشد می کند، باید مراقب هم صدایی ذینفعان تجاری چندملیتی و مقتدری هم باشد که اقتصادهای نوظهوری مانند چین را تحت فشار قرار می دهند تا بازارهای داخلی خود را برای منافع تجاری ویژه آنها باز کنند. تحقیقات موجود درباره لابی گری کسب و کار چندملیتی در قراردادهای تجاری دوجانبه و چندجانبه نشان می دهند که در مقایسه با ذینفعان تجاری صادرات محور که به دنبال بهبود رقابت پذیری خود در بازارهای خارجی هستند، صنایع وارداتی رقابتی تاکنون در شکل گیری نتایج قراردادهای تجاری موفقیت کمتری داشته اند. علاوه بر این، سیاست گذاران باید توجه داشته باشند که کاهش تعداد بخش های مشمول محدودیت های سرمایه گذاری مشترک در نظام سرمایه گذاری چین به معنی نرخ خیلی کمتر انتقال فناوری و نوآوری فناوری است.<sup>۱</sup>

این مسأله بدان معنی نیست که سیاست گذاران اقتصاد پیشرفته نباید در پی یافتن نظام سرمایه گذاری متوازن تر در مقابل چین باشند. به دنبال باز کردن بازار در چین - کاری که کشورهای پیشرفته شریک تجاری چین پیوسته انجام داده اند و همچنان انجام می دهند - سیاست گذاران نباید سیاست های جدیدتر فناوری و عملکرد مفت خوری را با هم اشتباه کنند. همچنین می بایست نسبت به مجموعه فزاینده موانع جدید در مسیر توسعه که امروزه اقتصادهای بازار نوظهور با آنها مواجه می شوند و مهم تر از همه، تمرکز بازار رو به رشد در حوزه توسعه فناوری های پیشرو واقف باشند. علاوه بر زنجیره های ارزش/تولید جهانی،

۱. کان جیانگ و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند که اثرات سرریز فناورانه مثبت در صورت فعالیت شرکت های با سرمایه گذاری مشترک تقریباً دو برابر بیشتر از زمانی است که شرکت های با مالکیت کاملاً خارجی حضور دارند.

مالکیت فکری نیز اصولاً سلسله‌مراتبی است و در آن رانت‌های انحصار مرتبط با مالکیت فکری، برای شرکت‌های متصدی کشورهای جهانی مالکیت فکری را تنظیم می‌کنند، مزایایی را دربردارد.

موضوع فعلی به این شرح است که در حال حاضر بخش قابل‌ملاحظه‌ای از سوددهی شرکت‌های چندملیتی پیشگام ناشی از رانت‌های انحصاری دارایی‌های مالکیت فکری آنها است.<sup>۱</sup> سیاست‌های چین برای تجاری‌سازی و بین‌المللی‌سازی پورتفولیوهای مالکیت فکری شرکت‌های داخلی، تهدید بالقوه برای این سوددهی به‌شمار می‌رود. با وجود الزامات سرمایه‌گذاری مشترک در بخش‌های راهبردی متعدد، به‌نظر می‌رسد که دولت چین فعالانه رقابت‌پذیری شرکت‌های داخلی را به ضرر رقبای خارجی آن‌ها تسهیل می‌کند. سیاست‌گذاران باید توجه داشته باشند که تنها چین چنین عملکردی ندارد و حتی دولت ایالات متحده آمریکا نیز این‌گونه است و همواره در زمینه توسعه و تجاری‌سازی فناوری پیشرفته و دارایی‌های مالکیت فکری که همراه با چنین پیشرفتی است، فعالیت می‌کند.

علاوه بر این، اگرچه انتقال «اجباری»<sup>۲</sup> فناوری و جاسوسی شرکتی قطعاً باعث نگرانی نسبت به حکمرانی تجاری جهانی می‌شود، ولی کاهش یا حذف نمونه‌های انتقال فناوری ناخواسته هم بعید است که جدال بین چین و کشورهای پیشرفته شریک تجاری آن را فرونشاند. این امر ناشی از آن است که شکایات عمیق شرکای تجاری چین مربوط به اختلاف‌های قانونی درباره نقش دولت در اقتصادی مدرن و فناوری محور است. ایجاد تعادل بین تأثیرات ضدرقابتی محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی و پیامدهای خارجی مثبت این محدودیت‌ها معضلی است که سیاست‌گذاران با آن مواجه هستند.

۱. به‌عنوان مثال، دارایی‌های مالکیت فکری تقریباً ۷۰ درصد از ارزش شرکت‌های فهرست شده عمومی ایالات متحده را دربرمی‌گیرند (کمسیون مالکیت فکری ۲۰۱۳).

۲. ایده مبنی بر تمهیدات انتقال فناوری اجباری در تمام بخش‌های جامعه کسب‌وکار خارجی در چین مشترک نیست.

## ۹- فناوری‌های دومانظوره در تجارت جهانی

چنانکه در بررسی اخیر دفتر نمایندگی تجاری آمریکا درباره شیوه‌های تجارت چین مطابق بخش ۳۰۱ قانون تجارت ایالات متحده مصوبه ۱۹۷۴ بیان شد، شرکت‌های خصوصی و دولتی چین نیز از طریق سرمایه‌گذاری‌های بکر<sup>۱</sup> و ادغام و اکتساب خارجی فعالانه درصدد اکتساب فناوری خارجی هستند. این اهرم‌های سیاستی برای شرکای تجاری چین از این جهت مشکل‌ساز قلمداد می‌شوند که مفهوم رابطه متقابل را نقض می‌کنند و علاوه بر این، آن‌ها نگران دسترسی پکن به فناوری‌های دومانظوره‌ای هستند که در اقتصادهای پیشرفته تولید شده‌اند. کانادا و سایر اقتصادهای پیشرفته به طور منطقی نگران استفاده چین از سرمایه‌گذاری خارجی برای اهداف غیرتجاری هستند. پکن نیز نگران این است که امنیت ملی آن به دلیل وابستگی کشور به فناوری خارجی آسیب‌پذیر است. به بیان ساده، این مشکل از آنجا سرچشمه می‌گیرد که پکن هم‌پیمان نظامی هیچ کشور پیشرفته‌ای نیست. بنابراین جای تعجب نیست که وزارت دفاع ایالات متحده در مقابله با سیاست‌های ارتقای فناوری چین پیشگام است و این موضوع را به‌عنوان تهدیدی مستقیم برای امنیت ملی خود تلقی می‌کند.

بدین ترتیب، مبحث پیرامون برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ نشانه‌ای از یک روند گسترده‌تر است. در مواردی که حوزه جدید توسعه تجاری دارای کاربردهای فراصنعتی و مقیاس گسترده بوده و همچنین پتانسیل ایجاد تغییرات شدید در چشم‌انداز هردو گروه خدمات و تولید پیشرفته را داشته باشد و به‌عنوان فناوری دفاعی بالقوه نیز کاربردهای گسترده‌ای داشته باشند، چگونه شرکای تجاری باید جریان آزاد کالاها و خدمات را در مرزها حفظ کنند؟ این مطلب دقیقاً تداعی‌کننده معضل مربوط به برنامه توسعه نسل بعدی هوش مصنوعی چین است. اگرچه این برنامه فراتر از چهارچوب اصلی برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ محسوب

1. Greenfield investment

می‌شود، ولی اهداف مشابهی دارد و از ابزارهای سیاستی مشابهی استفاده می‌کند. این برنامه که توسط شورای دولتی در سال ۲۰۱۷ تصویب شد، مستلزم همکاری بین شرکت‌های خصوصی و دولتی برای توسعه فناوری در چین، جذب شرکت‌های چندملیتی و استعدادها جهت تحقیق و توسعه با هدف توسعه فناوری‌های هوش مصنوعی با همکاری دانشگاه‌ها و شرکت‌های چینی و حتی اتکا بر بودجه صندوق حمایت دولتی (چنانکه در جدول ۱ نیز نشان داده‌شد) به‌منظور تأمین سرمایه مشترک برای رشد و پیشرفت شرکت‌های هوش مصنوعی است.

اگرچه هوش مصنوعی به‌عنوان صنعت فناوری پیشرو محسوب می‌شود- بدین معنا که چین (همزمان با ایالات متحده) در این صنعت پیشگام است و البته بدین معنا نیست که جای متصدیان را گرفته‌است- ولی وزارت دفاع ایالات متحده ابراز نگرانی کرده‌است که توسعه فناوری هوش مصنوعی توسط چین تا جایی که از استعدادها و تحقیقات تحت بودجه ایالات متحده استفاده کند، به منافع ایالات متحده آسیب وارد می‌کند. به نظر می‌رسد که این مسأله کاملاً درست است، زیرا بسیاری از فناوری‌های در حال رشد در هوش مصنوعی و صنایع دیگر از قابلیت کاربرد دفاعی گسترده‌ای برخوردارند. «معضل فناوری‌های دومانظوره» در حکمرانی اقتصاد جهانی از اهمیت روزافزونی برخوردار است و با تأکید صریح چین در برنامه هوش مصنوعی خود بر نوآوری «منبع باز» به وسیله به‌اشتراک‌گذاری تحقیقات و منابع در میان بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و بخش نظامی تشدید می‌شود. اگرچه تدارکات دفاعی هدف اولیه این طرح محسوب نمی‌شود، ولی موضوع توسعه هوش مصنوعی بیانگر اهمیت روزافزون مسائل مرتبط با امنیت ملی است که باعث نفوذ تجارت در فناوری‌های نوظهور می‌شود.

می‌توان این استدلال متضاد داشت که محرک بومی‌سازی یارانه‌ها و دارایی‌های ناملموس پکن بسیار قوی‌تر از همتایان آمریکایی آنها است- و یا این که مهم‌تر از اقدامات پیشین منطقه خاص اداری تایوان، کره جنوبی و ژاپن است. در مقایسه با زمانی که کشورهای تازه‌صنعتی شده نظیر ژاپن و کره جنوبی در حال توسعه بخش‌های فناوری پیشرفته خود بودند، امروزه سیاست‌گذاران چین با نظام حکمرانی تجاری جهانی سخت‌گیرانه‌تری مواجه هستند.

قبل از اواسط دهه ۱۹۹۰ و به‌ویژه قبل از دهه ۱۹۸۰، بیشتر بحث‌های پیرامون کاهش موانع تجاری در ارتباط با کاهش تعرفه‌ها و سهمیه‌ها بودند و با دارایی‌های ناملموس، کاهش یارانه‌های نوآوری‌ها و هماهنگ‌سازی مالکیت فکری جهانی ارتباطی نداشتند.

این امر بر معضل مهم دیگری در حکمرانی تجارت جهانی تأکید دارد: ادغام نظام‌های سیاست صنعتی خاص در چهارچوب تجاری مبتنی بر قوانین جهانی. در بازار داخلی چین، هر دو گروه شرکت‌های داخلی و خارجی زمانی بهتر عمل می‌کنند که راهبردهای تجاری آن‌ها همسو با اهداف توسعه بلندمدت حزب کمونیست باشد. این امر بازارهای داخلی چین را از بازارهای مشاهده‌شده در اقتصادهای پیشرفته متمایز می‌کند. این تمایز باعث ایجاد تنش‌هایی در نظام تجارت جهانی می‌شود که توسط طراحان آن به‌عنوان فضای اقتصاد جهانی برای اقتصادهای بازار آزاد در نظر گرفته شده‌است که از طریق تفکیک نسبتاً مشخص بازارها از کشورها تعریف می‌شوند- تفکیکی که (شاید به‌طور عمدی) به‌خوبی در چین نهادینه نشده‌است. بنابراین نظام سیاسی چین به اندازه نظام اقتصادی آن بر جرعه‌های تنش بین چین و شرکای تجاری آن دامن می‌زند. مخالفت‌های سیاسی نباید این حقیقت را پنهان کنند که کشورهای پیشرفته و کشورهای با درآمد متوسط به یک اندازه با موانع واقعی برای توسعه اقتصادی ناشی از مشکل مهم تمرکز صنعت جهانی مواجه هستند.



## ۱۰- توصیه‌های مربوط به کانادا

### کمک کنید برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ برای شرکت‌های کانادایی کارآیی بهتری داشته باشد

سیاست‌گذاران چینی به‌عنوان تازه‌واردان در عرصه فناوری امروزی که به سرعت در حال تکامل است، وظایف متعددی برای خود تعریف کرده‌اند: برابری با اقتصادهای پیشرفته و صنعتی در طول کمتر از دو دهه و یا برای همیشه گرفتار شدن در دام درآمد متوسط و مواجهه با رکود اقتصادی و صنعتی‌زدایی شتابزده و پیش از موقع.<sup>۱</sup> با نگاهی به تاریخچه اخیر چین درمی‌یابید که سودهای بهره‌وری مستمر و رشد اقتصادی باعث بهبود شیوه‌های کاری و برابری جنسیتی در چین شده‌اند. این امر مسلماً دستورالعمل تجاری پیشرو دولت فعلی کانادا را بازتاب خواهد داد و برخی اظهار داشته‌اند که این امر منطبق با منطقی است که منجر به امضای اخیر موافقت‌نامه جامع و پیشرو مشارکت ترانس پاسیفیک<sup>۲</sup> (CPTPP) شده است.

در این ارتباط، موضوع پیشنهاد پیمان تجارت دو جانبه با پکن را باید مجدداً مورد بررسی قرار داد. شرکای تجاری چین شکایاتی منطقی در این باره دارند که چگونه تعاملات چین با کسب و کار خارجی در طی سه دهه اخیر تکامل یافته است. این که هدف برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ پرداختن به برخی از این مسائل است، حداقل به نوعی - شبیه اقدامی مثبت به نظر می‌رسد که چین در پیش گرفته است. البته فقط تعهد شعارگونه چین مهم نیست و اجرای عملی این برنامه است که اهمیت دارد. اگرچه شرکت‌های کانادایی قطعاً می‌توانند روش‌هایی برای بهره‌گیری از مزایای این تقاضای فزاینده برای کالاها و خدمات خود در چین بیابند، ولی با وجود چشم‌انداز نظارتی که جهت نظارت بر شرکت‌های تحت سرمایه‌گذاری خارجی به سرعت در حال تکامل است، تازه‌واردان به راحتی نمی‌توانند به بازار چین راه

۱. چین به چند دلیل به رشد بهره‌وری سریع نیاز دارد که به‌ویژه یکی از دلایل آن این است که بهره‌دهی دولت محلی و بدهی شرکتی قابل توجهی که در طول دهه گذشته انباشته شده است، پرداخت شود.

2. Comprehensive and Progressive Agreement for Trans-Pacific Partnership

یابند. با استفاده از مذاکرات تجاری دوجانبه برای کمک به کاهش عدم قطعیت نظارتی و خطرات تبعیت قانونی<sup>۱</sup> می‌توان منافع کسب و کارهای کانادایی را با اهداف برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ و سایر سیاست‌های صنعتی همسو ساخت.

## تکیه بر استانداردهای نوظهور مالکیت فکری چینی برای چشم‌پوشی از استانداردهای تحت هدایت ایالات متحده

با توجه به تحولات مثبت در چشم‌انداز حقوق مالکیت فکری چین، «اوتاوا» نیز باید درباره مشارکت خود با چین در زمینه مسائل مربوط به مالکیت فکری - به ویژه هنگامی که در ساختار رویکرد موفق «حداکثرگرایی» واشنگتن برای حمایت از مالکیت فکری فرامرزی در نظر گرفته می‌شود - بازنگری کند. اگرچه چین از استانداردها و شیوه‌های جهانی زیادی جهت حمایت از مالکیت فکری و اجرای آن‌ها استفاده می‌کند، ولی سیاست‌گذاران این کشور نسبت به ایجاد پورتفولیوی مالکیت فکری ملی اقدام کرده‌اند و این امر بر تنظیم استانداردهای جهانی و افزایش رقابت‌پذیری مالکیت فکری شرکت‌های چینی تأثیر داشته‌است. به عبارت دیگر، پکن به طور ضمنی خواهان فضای سیاستی بزرگ‌تر (در چهارچوب نظام حکمرانی تجارت جهانی موجود) برای کشورهاست تا بتوانند از دارایی‌های مالکیت فکری داخلی خود حمایت کرده و فعالیت خود را در مرزهای ملی کنترل نمایند.

دولت کانادا اخیراً راهبرد مالکیت فکری خود را منتشر کرده‌است. این راهبرد درصدد حمایت فعالانه از شرکت‌های کانادایی در برابر شیوه‌های ضد رقابتی روبه‌رشد در چشم‌انداز مالکیت فکری کانادا و جهان است. اوتاوا باید از این که چین به موضوع مالکیت فکری با شرایط نسبتاً مشابهی می‌اندیشد، کمتر نگران باشد. این امر باعث می‌شود کشور چین به‌عنوان هم‌پیمان مهم کانادا عمل کند که درصدد فضای سیاستی بزرگ‌تری در راستای پرورش نوآوری داخلی و چهارچوب مالکیت فکری جهانی رقابتی‌تر است تا کشورهای

۱. به‌عنوان مثال، مطابق نظرسنجی صورت گرفته درخصوص شرایط تجاری مشترک اتاق بازرگانی ایالات متحده و باین اند کامپانی (۲۰۱۸)، خطرات عدم قطعیت نظارتی و خطرات تبعیت قانونی به ترتیب به‌عنوان اولین و سومین موانع اضطراری برای انجام کسب و کار در چین تلقی شدند.

در حال توسعه و اقتصادهای باز کوچک بتوانند در برابر هماهنگ‌سازی قوانین مالکیت فکری خود با قوانین ایالات متحده و سایر اقتصادهای بزرگی که دارای مزیت رقابتی در دارایی‌های مالکیت فکری هستند، مقاومت کنند. کناره‌گیری ایالات متحده از موافقت‌نامه مشارکت ترانس پاسیفیک، پیامدی مثبت برای کانادا در بردارد.

تضعیف معیارهای حمایت از مالکیت فکری و به طور گسترده‌تر، توسعه فضای سیاستی مطابق موافقت‌نامه مشارکت ترانس پاسیفیک موجب تسهیل فعالیت چین در حوزه تجارت شده و امکان ایجاد یک حد وسط مورد توافق بین سیاست صنعتی چین و تقاضاهای اقتصادهای پیشرفته برای همگرایی فرامرزی بیشتر استانداردهای مالکیت فکری، تجارت خدمات و سیاست سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را فراهم آورده است. با توجه به منافع دیرینه کانادا در مقاومت در برابر استانداردهای حمایت از حقوق مالکیت فکری مورد تأیید ایالات متحده، منافع اوتاوا در مشارکت اقتصادی بیشتر با منطقه آسیا-اقیانوسیه و همچنین تمایل نسبی کانادا به پذیرش سرمایه‌گذاری مستقیم چینی، زمینه مشترک گسترده‌ای برای مذاکرات تجاری آتی بین اوتاوا و پکن ایجاد شده است. علاوه بر این، پرواضح است که مذاکرات مربوط به موافقت‌نامه تجارت آزاد سه‌جانبه مستمر چین، ژاپن و کره جنوبی بر رویکرد به‌طور فزاینده انعطاف‌پذیر چین نسبت به حکمرانی مالکیت فکری فرامرزی-به‌ویژه با توجه به افزایش اهمیت نوآوری و سودهای تحقیق و توسعه- دلالت دارند.

## هم‌افزایی در ارتباط با برنامه ساخت چین ۲۰۲۵

کاهش سهم بخش تولید کانادا در تولید ناخالص داخلی آن بر کسی پوشیده نیست. به همین ترتیب، کاهش سهم بخش تولید کانادا در صادرات آن از اوایل دهه ۲۰۰۰ نیز موضوع در خور توجهی است. امروزه تولیدکنندگان کانادا مسائلی نظیر فقدان مشتری، شرکای تجاری، بازارهای جدید در خارج از کانادا و مشکلات مربوط به جذب و حفظ نیروی کار ماهر را به‌عنوان چالش‌های تجاری مهم خود بیان می‌کنند. در این شرایط، سیاست‌گذاران کانادا باید تدوین راهبرد ملی برای بخش‌هایی نظیر فناوری‌های تولید هوشمندانه، رباتیک و مخابرات را نیز مدنظر داشته باشند و از نیاز چین به نیروی کار ماهر، شرکای خارجی و نوآوری بیشتر در حوزه‌هایی نظیر تولید هوشمند بهره‌مند شوند.

علاوه بر این همانطور که در بررسی اتاق فکر آلمان موسوم به مریکس نشان داده شده است، از آنجا که شرکت‌های آلمانی با توجه به سیاست‌های چین مبنی بر هم‌پایی فناوری پیشرفته، از فرصت‌های منحصربه‌فردی در زمینه بهره‌وری تجاری دوجانبه برخوردار هستند، فرصت‌های زیادی برای مشارکت آن‌ها در برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ به منظور کمک به ارتقای زنجیره ارزش فناوری چین وجود دارد. همچنین، با توجه به تقاضای چین برای فناوری خارجی، شرکت‌های خارجی باید فرصت فروش فناوری و ورود به صنعت تولید پیشرفته چین را غنیمت شمرند. همان‌طور که نویسندگان باصراحت بیان کرده‌اند، «اگر پیشرفت صنعت چین با کمک آلمان محقق نشود، صنعت چین با محصولات تولیدی سایر رقبای بین‌المللی پیشرفت خواهد کرد». سیاست‌گذاران در کانادا نیز باید این مبادله بالقوه میان مدت و بلندمدت را در نظر داشته باشند.<sup>۱</sup>

### پیشگامی در حکمرانی تجارت جهانی

در ارتباط با تدوین ماهرانه یک راهبرد سیاستی در پاسخ به برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ و سایر جنبه‌های سیاست صنعتی چین، اوتواوا فرصت دارد تا (همان‌طور که در برقراری نظام حکمرانی جهانی برتون وودز نقش اصلی را داشت) در شکل‌گیری نظام جهانی جدید و مشارکتی و پایدار نیز همچنان نقش اصلی را ایفا کند. در طی دوره بازسازی پس از جنگ، کانادا به طرز بی‌تناسبی نقشی تأثیرگذار در میانجی‌گری بین ذی‌نفعان آمریکایی و بریتانیایی در نظام حکمرانی اقتصاد جهانی ایفا کرد. با کناره‌گیری فعلی رهبری ایالات متحده در این زمینه، رهبری کانادا در این نظام احیاء شده‌ی حکمرانی و تجارت جهانی از فرصت‌های متعددی برای مقابله با مسائل مربوط به تمرکز صنعتی و همچنین مشکلات روزافزون مربوط به امنیت سرمایه‌گذاری و تجارت جهانی برخوردار است. برای این که بتوان ضمن بازنگاه داشتن اقتصاد جهانی، نظام جهانی را در برابر نیازهای اقتصادهای باز

۱. همچنین، همانطور که ووبک و بچورن کنراد (۲۰۱۵) در ارتباط با امنیت داده‌ها پیشنهاد داده‌اند، اطمینان از این که شرایط مشارکت شرکت خارجی و چینی به وضوح و با دقت تنظیم شده است و از خسارت غیرعمدی اسرار تجاری حساس و مالکیت فکری اجتناب می‌شود، بسیار حائز اهمیت است. در این مثال، کسب و کارهای کانادایی به احتمال زیاد به حمایت دولت نیاز خواهند داشت و می‌توانند از مزایای شرایط کلی تصریح شده در موافقت‌نامه تجاری آزاد یا پیمان سرمایه‌گذاری دوجانبه در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی بهره‌مند شوند.

کوچک و با درآمد متوسط پاسخگو ساخت، باید گروه‌های موافقی در پکن، بروکسل و کشورهای دیگر وجود داشته باشند. به‌طور کلی، ادغام در ساختار حکمرانی جهانی یک اقتصاد دولت‌محور نوظهور و بزرگ به‌عنوان چالش اصلی محسوب می‌شود. کانادا به روش‌های متعددی از جمله از طریق سازمان تجارت جهانی، گروه بیست و همچنین از طریق پیمان‌های سرمایه‌گذاری و تجارت دوجانبه که به‌عنوان ابزار پیشرفت برای موافقت‌نامه‌های تجارت چندجانبه گسترده‌تر عمل می‌کنند، می‌تواند رهبری حکمرانی جهانی خود را مجدداً تحکیم بخشد.

## ۱۱- نتیجه‌گیری: مذاکره مجدد درباره تجارت جهانی

### مذاکره مجدد درباره تجارت جهانی

در مقاله حاضر، محرک‌ها و مشخصات برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ و به طور کلی، روندهای اخیر در سیاست‌های صنعتی فناوری پیشرفته چین بیان شده‌است. در این مقاله پیشنهاد شده‌است که برنامه پکن برای ارتقای جایگاه خود در زنجیره ارزش تولید جهانی مشتمل بر مشارکت مقیاس گسترده دولتی- خصوصی است که با هدف توسعه فناوری‌های پیشرفته برای بازار چین و جذب نیروی کار ماهر جهت توسعه انطباق فناوری بومی و نوآوری محقق می‌شود. علاوه بر این برخلاف ادراک عمومی، سرمایه‌گذاری خارجی و حمایت و تجاری‌سازی حقوق مالکیت فکری در تحقق اهداف برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ نقش کلیدی ایفا می‌کنند. همچنین در این مقاله نشان داده شده‌است که با وجود مشکلات به طور فزاینده مهم جهانی در ارتباط با تمرکز صنعتی و معضل ویژه چین برای تجارت در زمینه فناوری‌های دومانظوره، منصفانه نیست که سیاست‌های صنعتی چین به عنوان یک طرح برای جایگزینی واردات توصیف شود که هدف آن فقط اعطای امتیاز عمدی به شرکت‌های داخلی در قبال شرکت‌های خارجی است.

تنش‌های تجاری کنونی بین چین و کشورهای در حال توسعه شریک تجاری آن نیز حاکی از مسئله بغرنج قدیمی در حکمرانی تجارت جهانی هستند: ایجاد تعادل بین فضای سیاستی اقتصادهای در حال توسعه و با درآمد متوسط به طوری که بتوانند با رقبای کشورهای پیشرفته و صنعتی خود برابری کنند و همزمان، مطابق قوانین نظام تجارت جهانی عمل کنند. از آنجا که چین اولین اقتصاد اصلی با درآمد متوسط است که از زمان تأسیس سازمان تجارت جهانی همواره این تعادل بین قوانین الزام آور و فضای سیاستی را آزمایش کرده‌است، سیاست‌گذاران آگاهانه برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ را به عنوان موضوع حکمرانی تجارت جهانی و نه به عنوان موضوعی مختص چین قلمداد می‌کنند. چین اولین کشوری

نیست که از سیاست‌های انتقال فناوری (در برابر سیاست راهبردی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رقابت) استفاده می‌کند و آخرین کشور نیز نخواهد بود. با تضمین این که چین در نظام تجارت جهانی قانونمند بهتر ادغام می‌شود، این کشور به‌عنوان الگوی مهمی برای سایر اقتصادهای نوظهور محسوب می‌شود تا از آن تبعیت کنند. این هدف باید با ترغیب برخورد برابر با شرکت‌های خارجی محقق شود که پکن صریحاً تعهد خود را در این خصوص بیان کرده‌است (هر چند تاکنون تعهدی عمدتاً شعارگونه بوده‌است). کشور چین به دسترسی مستمر به فناوری خارجی نیاز دارد و جهان نیز به شفاف‌سازی بیشتر پکن در این زمینه نیاز دارد. شاید این امر مستلزم به‌روزرسانی قوانین تجارت جهانی باشد که می‌توان آن را به صورت مرحله به مرحله از طریق مذاکرات دوجانبه و چندجانبه با پکن در چهارچوب فعلی و تحت نظارت سازمان تجارت جهانی عملی کرد.

برخی پیشنهاد می‌کنند که چین از قوانین امنیت ملی، طرح‌های تنظیم استاندارد و ابزار لازم برای مخدوش کردن سیاست‌های طرفدار موازنه اقتصادی که در راستای حمایت از شرکت‌های داخلی در برابر رقبای خارجی آن‌ها هستند، استفاده می‌کند. با این حال، این نکته مهم است که این احتمال را هم در نظر بگیرید که منتقدها ممکن است نیت و قصد را با نتیجه اشتباه بگیرند. نگرانی‌های چین نسبت به آسیب‌پذیری‌های امنیت ملی خود به دلیل اتکا بر فناوری «خارجی» معقول است. از آنجا که سرمایه‌گذاری‌های چینی در اقتصادهای پیشرفته به‌صورت فزاینده تحت نظارت امنیت ملی قرار می‌گیرند، شرکای تجاری چین باید حداقل در برابر نگرانی‌های پکن حس همدردی داشته باشند. گفت‌وگوها دربارۀ این موضوع در غلبه بر نظام تجارت جهانی‌ای که نگرانی‌های امنیت ملی مجموع صفر مشخصه آن است، مسأله مهمی است.

علاوه بر این، عدم تناسب موجود در سطح دسترسی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین مشکلی بدیهی است که شرکت‌های چینی در کشورهای شرکای تجاری چین با آن مواجه هستند. سازمان تجارت جهانی سطح توسعه کشور و تعهدات آن برای حذف یارانه‌ها و موانع نظارتی برای سرمایه‌گذاری خارجی را در نظر می‌گیرد و عمداً این عدم تناسب را مجاز می‌داند. سازمان تجارت جهانی این استثناها را در مورد تعهدات سازمان نسبت به سیاست‌هایی

نظیر حفاظت از محیط زیست و تبلیغات صنعت‌های نوپا قائل می‌شود. پیشینه این استنهاها به مواد XX، XIX، XVII و VI در موافقت‌نامه عمومی تعرفه‌ها و تجارت ۱۹۴۷<sup>۱</sup> و همچنین مواد بعدی تصریح شده توسط سازمان تجارت جهانی برمی‌گردد. مبحث فعلی درباره تجارت جهانی بین دو گروه شامل افراد مایل به حذف برخی از این استنهاها و افراد مایل به تقویت این استنهاها مطرح می‌شود. البته برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ باعث ایجاد این مسائل نمی‌شود، بلکه باعث می‌شود که این مسائل در سطح جهانی مطرح شوند.

مهم‌ترین موضوع اختلاف بین کشورهای پیشرفته شریک تجاری چین و برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ در ارتباط با نقش دولت در اقتصاد چین است. بر کسی پوشیده نیست که دیدگاه رهبران چین درباره نقش دولت در اقتصاد نسبت به سیاست‌گذاران اقتصادهای پیشرفته تفاوت دارد. کمیته‌های حزب کمونیست (بنا به قانون) در شرکت‌های خصوصی، خارجی و دولتی در چین مستقر هستند. در برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ این سنت ادامه داده می‌شود و قسمت اعظم سرمایه مشترک جدید و سازوکارهای انتقال فناوری چین شامل شرکت‌های دولتی نیز می‌شود. همزمان، سهم بخش خصوصی در رشد کلی تولید ناخالص داخلی چین به طور پیوسته در حال افزایش است. درست همانگونه که دولت به طور فزاینده‌ای درصدد همسوسازی اهداف توسعه خود با اهداف تجاری بخش خصوصی است، مسئولان چین نیز نشان داده‌اند که شرکت‌های خصوصی خارجی و همچنین داخلی به عنوان ارکان اصلی این طرح محسوب می‌شوند. شرکای تجاری چین باید به نحو مؤثری با پکن کار کنند تا متوجه شوند که این اهداف محقق می‌شوند و در عین حال اطمینان حاصل کنند که نقش دولت در بخش خصوصی چین شفاف و قابل پیش‌بینی است و بدین ترتیب، تنش‌های مرتبط با امنیت ملی در جریان خروجی سرمایه‌گذاری‌های چینی کاهش داده شود.

آیا سازمان تجارت جهانی یا یک سازمان دیگر باید در ارتباط با ارزیابی تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی توسط دولت، محدودیت وضع کند؟ سیاست راهبردی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تا چه اندازه‌ای باید تحت قوانین سرمایه‌گذاری جهانی، محدود شود؟ سیاست‌های انتقال فناوری چگونه و در چه شرایطی باید تنظیم شوند؟

1. 1947 General Agreement on Tariffs and Trade



این سؤالات علاوه بر این که به موضوع ارتقای شرکت‌های چینی در اقتصاد جهانی اشاره دارند، بر ارتقای چین به‌عنوان قدرت اقتصاد جهانی نیز دلالت دارند. در دهه ۱۹۸۰ که اقتصاد در حال ترقی آن دوره یعنی ژاپن به‌عنوان هم‌پیمان اقتصادهای پیشرفته متصدی به شمار می‌آمد، رفع چنین تعارضی نسبتاً آسان‌تر بود. اما امروزه چین این‌گونه نیست. رهبران چین در مقایسه با سیاست‌گذاران اغلب اقتصادهای پیشرفته امروزی، دیدگاه متفاوتی نسبت به رابطه بین کشورها و بازارها دارند و این موضوع نیز به تنش‌های فعلی می‌افزاید. بنابراین به غیر از مذاکره حکمرانی جهانی گسترده درباره فناوری‌های دومانظوره و دارایی‌های ناملموس و همچنین، موافقت‌نامه‌های تجاری دوجانبه یا چندجانبه، سیاست‌گذاران ابزارهای کمی برای حل تعارض بین‌دولتی در اختیار دارند.

#### منبع

Anton Malkin, (2018) “Made in China 2025 as a Challenge in Global Trade Governance: Analysis and Recommendations”, Center for International Governance Innovation, [www.cigionline.org](http://www.cigionline.org)



موسسه بین‌المللی توسعه فناوری و نوآوری ایران